



با خط درشت و در یک ستون، ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

شماره ۴۲۰، سه شنبه ۱ بهمن ۱۳۹۸ - ۲۱ ژانویه ۲۰۲۰

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیهها

در این شماره می خوانید:

روزشمار مرگ یک مُعادله - منصور امانص ۲

ولخرجی تروریستی و تبلیغات پوشالی برای سیل زدگان - زینت میرهاشمی.....ص ۴

به خاطر رویاهایت - س. پگاه.....ص ۶

چهلمین روز شهدای قیام آبان - مهدی سامع.....ص ۷

در سوگ درگذشت رفیق قاسم (حمید) ارض پیما.....ص ۷

طاهره - م. وحیدی.....ص ۸

دانشگاه در ماهی که گذشت (دی ۹۸) - کامران عالمی نژاد.....ص ۹

چالشهای معلمان (دی ۹۸) - فرنگیس بایقره.....ص ۱۸

رویدادهای هنری ماه (دی ۹۸) - فتح الله کیائیهها.....ص ۲۳

زنان در مسیر رهایی (دی ۹۸) - اسد طاهری.....ص ۲۷

فروغ فرخزاد؛ صدای ماندگار - م. وحیدی.....ص ۳۲

بر بال خاطره ها - م. وحیدی (م. صبح)ص ۳۵

کارورزان سلامت (دی ۹۸).....ص ۳۶

جنبش رنگین کمان بیشماران (دی ۹۸) - پویا رضوانی.....ص ۳۸

تکیه نظام بر نیروی نظامی بدون مرز و با بمب هسته ای - مهدی سامع.....ص ۴۴

اظهار نظر «کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر» در عراق.....ص ۴۸

دهان دریدگی "سردار نجات" بی سبب نیست - منصور امانص ۵۰

مدیریت پیشگیرانه باعث حذف سلیمانی شد - زینت میرهاشمیص ۵۱

گرد و خاک مرده گردانی حاج قاسم، دود شد رفت به هوا - زینت میرهاشمیص ۵۲

سُخرانی خامنه ای؛ بوی نای، بوی الرحمان - منصور امانص ۵۳

به یاد رفیق جهانگیر قلعه میاندوآب (جهان) - امیر ابراهیمی.....ص ۵۴

شهدای فدای در بهمن ماه.....ص ۵۵

روزشمار مرگ یک مُعاده

منصور امان

دی ماه بار دیگر سرفصل تحولات تعیین کننده ای شده است. دو سال پیش در چنین ماهی حرکت‌های پراکنده اعتراضی به یک خیزش عظیم فرا رویداد که با آرایش سرنگونی طلبانه و مرزبندی قاطعانه با باندهای حکومتی "اصلاح طلب" و "أصولگرا"، مبارزات جاری را به یک مرحله دوران ساز فراز داد و مسیر جنبش‌های آینده را نشانه گذاری کرد. در بستر دی ماه ۹۸ نیز رویدادهایی جاری شد که نیروی پُر توان آن، توازن موجود را در سطح منطقه دگرگون ساخته، رژیم ولایت فقیه را به ارتکاب یک سلسله خطاهای استراتژیک واداشته و مُعاده ای که در آن زیست بحران زایش را می گذراند، بی اعتبار ساخته است.

عراق و لبنان

نخستین حلقه زنجیره این خطاها در عراق چکش خورد؛ جایی که یک منطقه نفوذ منطقه ای رژیم ج.ا است و آن را "عمق استراتژیک" خود می داند. یک جنبش دموکراتیک - انقلابی که ماههاست مُناسبات فرقه ای حاکم بر عراق و نیروی پشتیبان آن، رژیم ج.ا و مُزدوران بومی اش را زیر ضربه های قُدرتمند خود گرفته، به تهدیدی جدی برای نقشه های "قُدرت منطقه ای" خود خوانده تبدیل شده است. بغداد و شهرهای بزرگ و به ویژه مناطق با اکثریت شیعه که تا پیش از این کانونهای نفوذ و سربازگیری ج.ا و دست نشاندهانش به حساب می آمدند، علیه سیستم فاسد جبهه گشوده اند و با سویه های قوی سکولاریستی، آزادی طلبی و عدالت خواهی در حال آنند که اسلام سیاسی و نظم فرقه ای آن را برچینند. میزان نگرانی و آشفتگی حالی حاکمان ایران از آنچه که در عراق در جریان است را از اینجا می توان تخمین زد که آنها اعتراضات عراق را با خیزشهای مردم ایران در سال ۸۸ مُقایسه می کنند و زمین زیر پایشان را به همان اندازه داغ می یابند. برای ج.ا حفظ توازن موجود در عراق نه فقط اهمیتی کلیدی برای طرحهای منطقه ای اش دارد، بلکه آن را به عنوان یک امکان حیاتی در کشمکش با آمریکا به حساب خود نوشته است. عراق برای حاکمان ج.ا یک نقش بازدارنده بازی می کند. آنها از یکطرف وانمود می کنند که نقشی "سازنده" در این کشور دارند و مانع بی ثباتی سیاسی و نیز جولان تروریسم داعشی و القاعده ای می شوند و از طرف دیگر، با تهدید پایگاهها و مراکز آمریکایی و حملات هشدار دهنده بدانها، به فشارهای آمریکا در نقاط دیگر واکنش نشان داده و آسیب پذیری آن را اخطار داده اند.

از تنگنای همین ضرورتها بود که ج.ا برای جلوگیری از سقوط در عراق، دست به بسیج همه جانبه ای برای سرکوب مُستقیم یا به انحراف کشیدن انقلاب آن زد. در دستور کار پاسدار قاسم سلیمانی، "مُستشاران" و مُزدوران محلی او کُشتار معترضان، ترور رهبران و کوشندگان و وحشت و هرج و مرج آفرینی با حروف دُرُشت نوشته شد و در سوی دیگر تلاش برای فریب مردم به پاخاسته بغداد، نجف، بصره، کربلا و ناصریه با راه حلهای دروغین و به جلو راندن چهره های ظاهر صلاح شدت گرفت. شکست این کارزار خون و فریب را اجبار نخُست وزیر سیستم فرقه ای، آقای عبدالمهدی، به استعفا مُهر کرد و به ثبت رساند تا به این ترتیب نه فقط انقلاب عراق را وارد مرحله تازه ای کند، بلکه به نُقطه آغاز دور باطل حرکت رژیم ج.ا نیز تبدیل شود.

نادیده گیری یک علامت هشدار دهنده

در تلاش سراسیمه برای جلوگیری از به واقعیت پیوستن یک شکست همه جانبه که در افق سیاسی - اجتماعی عراق نقش بسته بود، حاکمان ج.ا، آمریکا را هدف گرفتند. در انگاشت طراحان تهاجم، این یک بازی دو سر بُرد بود، به این شکل که زیر ضرب قرار گرفتن حضور آمریکا در این کشور و گشودن یک میدان درگیری با آن از یکسو با کشیدن خط تاکید زیر منافع ج.ا، توازن قُدرت با آمریکا در عراق را به وضعیت پیشین برمی گرداند و از سوی دیگر، بحران ناشی از تنش با آمریکا

قادر بود انقلاب و مطالبات آن را به سایه ببرد و نیروی اجتماعی اش را به بیراهه آمریکا ستیزی سوق بدهد یا آن را با هیستری اجتماعی "دشمن" یابی منزوی سازد.

در این راستا حاکمان کشور با ترتیب دادن یک حمله تحریک آمیز به پایگاه ارتش عراق در نزدیکی کرکوک و کشته و زخمی کردن چند آمریکایی، دینامیزم بحران را به جریان انداختند. آنها پاسُخ مورد انتظار خود به این حرکت را با حمله بی پیشینه آمریکا به سرفرماندهی باند مسلح "کتاب حزب الله" و کشته و زخمی کردن شماری از سرکردگان و اعضای آنها دریافت کردند. با وجود این علامت هشدار دهنده، فاز بعدی که مُحاصره و تهاجم به سفارت آمریکا بود آغاز گردید. بازتاب گسترده رسانه ای این اقدام در داخل و سطح بین المللی اگرچه بستری که حاکمیت برای تامین نقشه خود لازم داشت را فراهم کرد، اما همزمان خطری که در کمین نشسته بود را به سطح یک فاکتور بالقوه فراز داد.

تا این نقطه به گمان آقایان خامنه ای و سلیمانی مُحاسبه آنها از شرایط حاکم بر صحنه نبرد، توازن و قواعد آن دُرُست از آب درآمد بود. آنها این تاکتیک را به گونه موفقیت آمیزی در حمله به نفتکشها و شلیک موشک به تاسیسات نفتی عربستان به کار برده بودند و یکبار دیگر دُرُستی ارزیابی خود مبنی بر کم هزینه و خُرد پیامد بودن استراتژی جنگ نیابتی و جنگ در سایه را آزموده بودند. این تاکتیک در سوریه، یمن، لُبنان، غزه، عراق و لُبنان منافع سرشاری به جیب طراحانش ریخته و بلندپروازیهای ماند ایجاد خلافت "هلال شیعی" را در اساس مُمكن ساخته بود.

یک مُحاسبه اشتباه دیگر

آنچه که از چشم دستگاه ولایت فقیه دور ماند یا مایل به دیدن آن نبود، نُخست سطح ارتقا یافته ی پاسُخ آمریکا و سپس چشم اندازی بود که گشوده بود. آقای خامنه ای و همدستانش رویدادها را ثبت می کنند، اما قادر به دیدن روندهایی که نیروی رویدادها ایجاد و روی دادن شان را در متن خود تولید و قانونمند می کند، نیستند. کور مغزی آنها از نگرفتن پیام حمله بی سابقه به گروه نیابتی خود شروع نشد، بلکه این تهاجم یکی دیگر از گره گاههای تعیین کننده ای است که حاکمان مُتوهم و خودشیفته ج.ا.م مفهوم و اهمیت آن را به کلی نادیده گرفته اند تا کسب و کار خود را به روال همیشگی پی بگیرند.

در دوره کُنونی نُخستین گره گاه، ورود آقای ترامپ به کاخ سفید بود؛ فردی با رویکردهای روشن و اعلام شده در برابر توافق هسته ای وین و نقشی که رژیم مُلاها در منطقه بازی می کرد. با این حال هیچکس در کادر رهبری و تصمیم گیری ج.ا.م تحول صورت گرفته در دستگاه سیاسی و مُدیریت طرف اصلی "برجام" را جدی تلقی نکرد. آقایان خامنه ای، روحانی و ظریف پوزخند زنان تاکید داشتند که آمریکا نه می تواند و نه قصد دارد از توافق خارج شود و بر پایه این ارزیابی پیشنهاد مذاکره دوباره پیرامون "برجام" و ماجراجوییهای منطقه ای خود را رد کردند. آمریکا از برجام خارج شد، تحوُل "غیرمُمكن" از دستگاه ولایت فقیه عبور کرد و آن را مبهوت و شگفت زده بر جای گذاشت. هنگامی که آقای ترامپ توافق وین را به قول خود "پاره" کرد، همین گروه شکست خورده اطمینان می داد که به مدد بازماندگان "برجام"، اروپا، روسیه و چین، "تحریمهای یکجانبه" آمریکا بی تاثیر خواهد بود. آنگاه که این مُحاسبه نیز غلط از آب درآمد، آنها سوگند خوردند که تحریم نفتی ج.ا.م مُمكن نیست و اکنون همه می دانند که سرنوشت این ارزیابی سُست نیز به کجا رسید.

حاکمان ج.ا.م با همین انگاشت و مُتد برخاسته از آن وارد بازی انقلاب عراق شدند. آنها پس از درک اشتباه از تحوُل کرکوک و ادامه بازی به شیوه پیشین در اطراف سفارت آمریکا، فقط زمانی توانستند تصوُر روشنی از شرایط تحول یافته پیدا کنند که "آتش جهنم" آمریکا، "سردار سلیمانی" و "ابومهدی مُهندس" (مُهره کلیدی ج.ا.م در عراق) را با بوق و کرنا و بر یک صحنه عُمومی در برگرفت و بدون حاشیه روی به دوزخ فرستاد. آسوده خیالی پاسدار سلیمانی در گردش بین تهران - دمشق - بغداد در اوج درگیری سفارت و شعله ور کردن یک بحران تازه، حتی از زاویه تاکتیکی صرف نیز عُمق رُسوب گردانندگان ج.ا.م در فرضیات و توهُمات بی بُنیاد و سطحی خود را به نمایش می گذارد. آقای سلیمانی به گونه شخصی و دستگاه خلافت ولایت فقیه به گونه سیاسی - تشکیلاتی، یک بار دیگر ناچار شدند هزینه حرکت در سطح رویدادها را به بهای گزافی بپردازند.

از فرودگاه بغداد به سرزمین ناشناخته

اینبار علامت آمریکا از تغییر سیاست خود روشن تر از آن بود که حتی نزدیک بین ترین عضو دستگاه ولایت فقیه استعداد نادیده گرفتن آنرا داشته باشد. کاخ سفید به وسیله یک ضربه حساس نظامی و به هلاکت رساندن "فرد دُوم نظام"، زنگ به انتها رسیدن دوره جنگ بهداشتی آقای خامنه ای و همدستانش یا آنچه که زیر پوشش "نه جنگ و نه مذاکره" به جلو می برند را به صدا درآورد. آقای ترامپ با زبانی با آنها صحبت کرد که می فهمند. او روشن ساخت که به "جنگ نامتقارن" پدرخوانده های تهران با "جنگ نامتقارن" پاسخ می دهد و خط قرمزهای کشوری و لشکری غرب را که حاکمان ایران تاکنون در پناه آن آسوده به کار خویش مشغول بودند، به رسمیت نمی شناسد. تاجر نیویورکی نشان داد که برخلاف ارزیابی آقای خامنه ای و دوستان نه تنها از به کار گرفتن نیروی نظامی پرهیزی ندارد، بلکه در انتخاب سطح و دامنه آن نیز خود را به پروتکل های رایج مشروط نمی کند. این بدان معناست که از این پس ضربه های نیش سوزنی از نوع ماههای گذشته بدون پرداخت هزینه باقی نمی ماند و هر اقدام جنگی و تروریستی جدید، میز یک قمار بزرگ با ریسک خسارات سنگین را خواهد چید.

"انتقام سخت" بازتاب دریافت دیرهنگام این پیام بود. رهبران ج.ا با ترتیب دادن یک نمایش موشکی که فاقد هرگونه ارزش نظامی بود و به خوبی و - لایب برای محکم کاری - از چند کانال با آمریکا هماهنگ شده بود، ورود اجباری خود به دوره جدیدی از کشمکش با این کشور را اعلام کردند. آقای خامنه ای با دستپاچی حساب قبلی خود مبنی بر اینکه "یکی بزنند، ده تا می خورند" را خط زد و آن را با یک حرکت نمایشی، بدون "زدن" تلفات انسانی و خسارات سنگین مالی و تجهیزاتی به حریف، از نو جمع و تفریق کرد.

به این ترتیب خسارتی که حاکمیت در حاشیه فرودگاه بغداد بابت اشتباه در محاسبه پرداخت، به همانجا نیز محدود نماند و پیامدهای خسارت بار تری در پهنه سیاسی نیز پیدا کرد. "نظام" خطایی که در عراق مرتکب شده بود را در ایران وسعت داد و با یک واکنش غیر ضروری و به کلی نامتناسب به ضربه هلاکت پاسدار سلیمانی آمریکا، یک گام بیشتر در باتلاق فرو رفت. گام مزبور پیش از همه بیانگر آن است که اقدام نظامی آمریکا، حاکمیت را گیج و مات کرده است. دستگاه رهبری ج.ا غافلگیر شده و با وضعیتی روبرو گردیده که همچون موارد دیگر، در رسیدن آن را ناممکن می پنداشت و در هیچیک از سناریوها و پیش فرضهایش پیرامون روند درگیری با آمریکا به حساب آورده نشده است.

برآمد

رژیم ج.ا بدون میانبر وارد وضعیت جدیدی شده است. معادله پیشین که بر پایه باجگیری (هسته ای، موشکی، تروریستی) از یکطرف و بازدارندگی از طرف دیگر بنا شده بود، اعتبار خود را از دست داده است. متغیرهای بازی یا عوض شده یا دیگر وجود خارجی ندارد و متغیرهای جدیدی که در هلاکت پاسدار سلیمانی و پاسخ حاکمیت بدان پدیدار شده، در حال شکل دادن به معادله جدیدی است که "نظام" را در پهنه های قدرتش تلو تلو خوران هرچه بیشتر به گوشه رینگ و موضع دفاعی می راند.

واشنگتن و پایتختهای اروپایی تنها نقاطی نیست که از آنجا باد تغییر به صورت حاکمیت نواخته می شود؛ "عمق استراتژیک نظام" و به بیان دیگر، کانونهای فعالیت مخرب آن در سطح منطقه، با دگرگونیهای معینی روبرو است و این خونی است که در رگ انقلاب ایران، عراق و خیزش توده ای لبنان جاری می شود.

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

ولخرجی تروریستی و تبلیغات پوشالی برای سیل زدگان

زینت میرهاشمی

بارش بارانهای فراوان و ایجاد سیل به عنوان رویکردی از طبیعت در همه جای جهان امکان به وجود آمدن دارد. در اغلب کشورها هنگام بروز سیل، امکانات دولتی برای حفظ جان مردم به کار گرفته می شود تا خساراتهای ناشی از سیل به حداقل کاهش یابد و همزمان امکانات دولتی به مردم سیل زده به طور جدی یاری می رسانند.

در ایران اما وضع به گونه دیگری است. بارانهایی که می تواند برای مناطق خشک ایران اثرات مثبتی داشته باشد به دلیل عدم توجه حکومت و اختصاص ندادن بودجه تبدیل به فاجعه ای انسانی و زیست محیطی می شود. هنوز آوارگی و بی خانمانی سیلها و زلزله های قبلی برجا مانده است که سیل در بلوچستان زندگی مردم این منطقه را به تباهی کشیده است. بی توجهی به مردم سیل زده را می توان از سخن پراکنی خامنه ای در نماز آدینه ۲۸ دی ماه بهتر دید. وی حتی اسمی از مردم سیل زده بلوچستان به زبان نیاورد. به گزارش رسانه های حکومتی در سیل بلوچستان تاکنون به واحدهای مسکونی ۷۱۶ روستا و ۱۴ شهرستان از جمله شهرستانهای چابهار، کنارک، قصر قند، نیک شهر، فنوج، دلگان، سیب و سراوان، ایرانشهر، خاش، مهرستان، سرباز، آسیب وارد آمده است.

استاندار این استان با اشاره به نبود بالگرد برای رساندن آذوقه به مردم پس از گذشت چند روز از سیل ویرانگر گفته است: سیلاب در جنوب این استان ارتباط بیش از ۵۰۰ روستا را قطع کرده و از این میان حدود ۳۵۰ تا ۴۰۰ روستا همچنان در محاصره سیل هستند.

در حالی که طی چند سال گذشته شاهد سیل و زلزله بسیار بودیم، در بودجه دولت به طور واقعی برای این رویدادهای ناگوار، بودجه مناسبی اختصاص داده نشده و این درحالی است که در بودجه هرساله رژیم منابع کشور تحت عنوان خصوصی سازی غارت می شود و بذل و بخششهای مالیاتی کلان به شرکتهای خصولتی که با رانت حکومتی جامعه را چپاول می کنند داده شده است.

بر اساس داده های آماری و نظر کارگزاران حکومت، امکان جلوگیری از بسیاری فجایع زیست محیطی وجود دارد. به عنوان نمونه عیسی کلانتری رئیس سازمان حفاظت محیط زیست رژیم، در رابطه با هوای آلوده و ناپاکی که گریبان مردم تهران و شهرهای بزرگ استانهای دیگر را گرفته، ایران را «کشور اسقاطی» دانست که انتظار هوای پاک از آن نمی توان داشت. وی با اشاره به این که «برای به دست آوردن هوای پاک هیچ بودجه ای در هیچ یک از برنامه های پنج ساله جمهوری اسلامی پیش بینی نشده»، گفت: «امروز حدود ۸۷ درصد مینی بوسها، ۸۱ درصد موتورسیکلتها، ۷۳ درصد اتوبوسها و ۶۱ درصد کامیونهای کشور اسقاطی هستند. در واقع کشور اسقاطیها شده ایم و انتظار هوای پاک داریم که این عملاً غیرممکن است.» (خبرگزاری حکومتی ایرنا، شنبه ۲۹ دی)

تبلیغات پوشالی روحانی در میان سیل زدگان

یک هفته پس از جاری شدن سیل در بلوچستان، حسن روحانی در سفر توریستی به آن دیار و وعده هایی که برای آینده داد، دروغپردازی و شیادی خودش را نشان داد. حسن روحانی منطقه چاه بهار را با اهمیت دانست و به مردم آن جا وعده داد که روزی راه آهن، کشتی، اتوبان و فرودگاه، هر چهار تا را در کنار هم خواهید داشت.

رئیس حکومت دروغگویان، بعد از چهل سال تحمیل فقر و تنگدستی، بی آبی و بی خانمانی به مردم محروم سیستان و بلوچستان، از پروژه های دولتش در حوزه آب و برق در این منطقه حرف زد و وعده ۳۱ هزار میلیارد تومان طرح آب و برق در سال آینده را داد. او بی شرمانه «وقفه» در این طرحها را تقصیر «دشمن» اعلام کرد.

«دشمن» کلمه رمز در بارگاه ولایت خامنه ای است که ریز و درشت خدمتگزاران این بارگاه برای پوشاندن بی لیاقتی، دزدی، دروغگویی، چپاول، استثمار و ... از آن استفاده می کنند. روحانی هم در این سفر توریستی این کلمه را فراموش نکرد.

تصویرها و فیلمهای گوناگونی از زندگی دشوار مردم این مناطق که سیل همه دارائیهای نداشته شان را از بین برده و حتا آب آشامیدنی هم ندارند سخن می گویند. در چنین وضعیتی، حسن روحانی به دولت «تدبیر و امید» ش مدال افتخار داد که کسی در این سیل کشته نشده است. وی گفت: «همین که سیل تلفات نداشته مایه افتخار دولت است». شاید هم خبر تلویزیون «پرس تی وی» مبنی بر کشته شدن حداقل ۳ نفر در جریان سیل سیستان و بلوچستان در روز «جمعه» آینده به وی برسد. همان طور که خبر گران شدن بنزین و شلیک سپاه به هواپیما روز «جمعه» به وی رسیده است.

مدیر یک مدرسه در وانان در منطقه سیل زده می گوید: «سالهاست که از خرابی جاده ها می گوئیم. سالهاست که داد زده ایم روستاهایمان در بستر رودخانه هستند و زیرساختها برای سیل فراهم است اما کو گوش شنوا» (ایلنا شنبه ۲۸ دی) مردم محروم سیستان و بلوچستان که قبل از سیل هم از جمله نادیده شدگان و هیچ شمردگان بودند حتا «مبلغ ناچیز» ی هم برای لایروبی رودخانه های این استان در سهمیه بندی بودجه دولت «تدبیر و امید» روحانی نصیب شان نشده است. روحانی نیاز به تولید انبوه موشک را بر نیاز مردم این استان ترجیح داد. هدایت فهمی، کارشناس سابق منابع آب وزارت نیرو، در این باره به برخی رسانه ها گفت: «در لایروبی رودخانه ها هیچ شوی تبلیغاتی برای مسئولین اتفاق نمی افتد. به همین دلیل است مساله به این مهمی در کشور به خوبی اجرا نمی شود.» (دویچه وله ۲۶ دی)

یک مجلس نشین از زاهدان در روز دوشنبه ۲۳ دی در رابطه با قابل پیش بینی بودن این سیل گفت: «اگر زیرساختهای مناسب، فراهم می شد، با توجه به اینکه وقوع سیل در سیستان و بلوچستان قابل پیش بینی بود، می توانستیم جلوی خسارتهای را بگیریم.»

فاجعه سیل بلوچستان، زندگی در آب و سرما و قطع کامل ارتباطات مردم سیل زده، تصویری از ظلم و بیداد رژیم ولایت فقیه است که برای نشان دادن عظمت دروغین خود در مرده سواری یک جنایتکار بین المللی، مردم را به زور از مناطق تنگ و بستن کوچه های منتهی به آن عبور می دهد تا بگوید در اثر ازدحام جان داده اند و بدین ترتیب دهها نفر را قربانی نمایش دروغین خود کند. میلیونها دلار هزینه تعدادی موشک برای زدن بیابانهای بغداد خرج می کند، دو موشک به هواپیمایی مسافر بری با ۱۷۶ سرنشین می کند تا بگوید آمریکاییها زدند و وقتی دروغش افشا می شود باز هم دلیل را شرایط جنگی اعلام می کند.

به خاطر رویاهایت

مشهد - آذر ۹۸

س. پگاه

قلمهای سربریده از
پله های تاریکی جهان
سقوط می کنند
در گلوگاه انتظار
به خاطر رویاهایت برخیز!
و عبور کن
از خاطرات امروز!
عاطفه های پاره شده جهان
عشقهای ویران شده ایست
در پشت شیشه های مات کور
خاک را ورق بزن!
جویبارها
پژواک رهایی اند

چهلمین روز شهدای قیام آبان

مهدی سامع

این که با وجود تمام بگیر و ببندها و نظامی-امنیتی کردن فضای کشور، حکومت نتوانست مانع برگزاری مراسم یادمان شهدای قیام در روز پنجشنبه ۵ دی شود، یک نشانه بسیار مهم از شرایطی است که قیام نیرومند آبان ۱۳۹۸ به وجود آورده است.



روز پنجشنبه ۵ دی ۱۳۸۹، در بسیاری از شهرهای ایران چهلمین روز شهدای قیام سترگ آبان برگزار شد. فیلمهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی نشان می دهد که مراسم چهلمین روز شهادت زنده یادان پویا بختیاری، آرشام ابراهیمی، نوید بهبودی، مهویزانی، نادر مؤمنی، محمود و مهرداد دشتی نیا، سجاد رضایی، اسماعیل رضایی، ساسان عیدی وندی، علیرضا نوری، فرزاد انصاری فر، ایوب بهرامیان، محمد امین الله قلی، احسان عبدالله نژاد، محمدحسین قنواتی و ... در نقاط مختلف کشور با شرکت زنان و مردان آزادیخواه ایران زمین برگزار شده است. در گورستان بهشت سکینه در کرج بر سر مزار پویا

بختیاری مردم شعار دادند: «کشته ندادیم که سازش کنیم، رهبر قاتل را ستایش کنیم».

در رویدادی دیگر پاسدار جنایتکار حسین نجات، از سرکردگان سپاه منفور پاسداران در تبعیت از خامنه ای که از فرودستان برائت جُست، گفت: «در مُدل جدید براندازی، تکیه بر افراد فرودست جامعه و کسانی است که محصول حاشیه نشینی و بی سواد هستند و در فضای مجازی آلوده شده اند.» در این که سپاه منفور پاسداران هیچ زمان مدافع منافع فرودستان و به حاشیه رانده شدگان نبوده جای تردیدی وجود ندارد. اما این موضوع که خامنه ای و به دنبال او سرکرده بخش فرهنگی سپاه از فرودستان برائت می جویند، نشان می دهد که حاکمیت پرده ها را کنار زده و در مقابل «گفتمان پوچ و مُزورانه جنگ خارجی»، جنگ چهل ساله علیه فرودستان و تهیدستان را به طور آشکار و عریان اعلام کرده است.

جمعه ۶ دی ۱۳۹۸ / دهمین سالگرد قیام ۶ دی ۱۳۸۸ (روز عاشورا)

در سوگ درگذشت رفیق قاسم (حمید) ارض پیمان

با تاسف بسیار رفیق قاسم (حمید) ارض پیمان ما را ترک کرد. رفیق حمید از فعالان جنبش پیشتاز فدایی بود که پیش از رستاخیز سیاهکل به جنبش مسلحانه انقلابی پیوست و در سال ۱۳۵۰ دستگیر شد. وی همراه با تعدادی از رهبران و کادرهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در بیدادگاههای رژیم شاه مورد محاکمه فرمایشی قرار گرفت و سرانجام به حبس ابد محکوم شد.

زنده یاد حمید در زندان شاه از مدافعان سرسخت مبارزه مسلحانه انقلابی بود. وی در جریان انقلاب ضد سلطنتی و کمی پیش از سرنوشتی رژیم شاه توسط خلق قهرمان از زندان آزاد شد و هنگام ورود به شهر لاهیجان مورد استقبال پرشکوه

مردم لاهیجان قرار گرفت. حمید ارض پیمان با وجود بیماری سخت آرزو داشت که شاهد سرنگونی رژیم ولایت فقیه به دست مردم ایران باشد.



فقدان رفیق حمید را از جانب خود و از سوی رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به خانواده و دوستان زنده یاد رفیق حمید و به همه آزادیخواهان و به ویژه به زنان و مردان ایران زمین که برای سرنگونی استبداد مذهبی حاکم بر ایران مبارزه می کنند تسلیت می گویم.

مهدی سامع / چهارشنبه ۲۵ دی ۱۳۹۸ - ۱۵ ژانویه ۲۰۲۰

از زبان کودکان میهنم

طاهره

م. وحیدی

سلام



من طاهره هستم. این هم اکبر برادرم است؛ همین که چشمهای خواهرم زینب را گرفته و فشار می دهد. اکبر خیلی شیطان است؛ تا دوربین عکاسی رادید، شروع به شوخی و ادا و اطوار کرد تا عکسش بیافتد؛ اگر پارک داشتیم هر دو آنها می رفتند آنجا بازی می کردند و مجبور نبودند این قدر به سر و کول هم بپرند یا با خاک و آجر بازی کنند.

من یک خواهر دیگر هم داشتم که چند ماه پیش مرد. یعنی تب کرد و مریض شد و بعد از چند روز مرد. او پنج سالش بود.

ما از روستاهای مشهد آمده ایم. آن جا زمین کشاورزی داشتیم؛ ولی چون دولت گُمک مان نمی کرد و محصولات مان را نمی خرید و خشکسالی هم بود، بابام مجبور شد آن

جا را بفروشد و به شهر بیاییم. ولی پول مان که تمام شد، مجبور شدیم، بیاییم اینجا و در کوره پزخانه ها کار کنیم. کار ما از چهار صبح شروع می شود و تا خورشید درنیامده باید گل رس را برای قالبها آماده کنیم. صاحب کوره پزخانه ما یکی از نمایندگان مجلس است که غیر از اینجا یک مرغداری بزرگ هم دارد که ده پانزده هزار مرغ پرورش می دهد. ما این جا تو خاک و خل زندگی می کنیم و برای همین همیشه سرفه می کنیم. مخصوصا مادرم شبها آن قدر سرفه می کند که نمی گذارد ما بخوابیم. دکتر به او گفته است که: «نباید در خاک و خل کار کنی و گرنه هیچوقت خوب نمی شوی»؛ ولی مادرم گوش نمی کند و باز هم در خاک و خل کار می کند.

او با این که بیست و پنج سال دارد، ولی صورتش پژمرده است و چین و چروک زیادی دارد و انگار شصت سال سن دارد. ما مدرسه نمی رویم. من خیلی دوست داشتم به مدرسه می رفتم. مردم نمی دانند که آجرها در اینجا، توسط دستهای کوچک ما با آرزوهای بزرگ ساخته می شود.

دانشگاه در ماهی که گذشت (دی ۹۸)

کامران عالمی نژاد

پروپاگانداى رژیم و افتضاح به بار آمده (تصویر ۱)

چهارشنبه ۱۸ دی ۱۳۹۸ هواپیمای بویینگ ۷۳۷ خط هوایی اوکراین در مسیر پرواز تهران به مقصد کی یف، ساعت ۶.۱۲ دقیقه با ۱۷۶ مسافر سقوط کرد که در

این سانحه تمامی سرنشینان و خدمه آن گشته شدند.

حدود پنج ساعت قبل از این حادثه، جمهوری اسلامی در پی انتقام از حمله پهباد آمریکایی در سحرگاه جمعه قبل و گشته شدن قاسم سلیمانی، قرارگاههای سربازان آمریکایی در عین الاسد و اربیل کردستان عراق را هدف موشکهای خود قرار داد. رژیم این عملیات را



تلافی جویانه و نشانه قدرت نظامی و اقتدار جمهوری اسلامی معرفی کرد و با تبلیغات و جنجال بسیار در تلویزیون و خبرگزاریهای رسمی کشور، از گشته شدن ۸۰ نظامی آمریکایی و زخمی شدن ۲۰۰ نفر خبر داد، این در حالیست که همان روز شبکه خبری سی ان ان به نقل از مقامات ایالات متحده گزارش داد: "در این حمله نیروهای آمریکایی در محل اصابت موشکهای ایران حضور نداشته اند."

همان روز، در حالی که سرکردگان سپاه تروریستی مشغول بلوف زنی و دروغ پردازی در باره گشته و زخمی شدن سربازان آمریکایی و توان موشکی و دقت موشکهای بالستیک خود و همزمان ضعف و ناتوانی نیروهای آمریکایی در برابر این حمله بودند، خانواده قربانیان هواپیمای اوکراینی در غم از دست دادن عزیزان شان، سخت ترین لحظات را سپری می کردند؛ افرادی اعم از مهاجران، دانشجویان و دانش آموختگانی که برای ادامه تحصیل و یا اقامت راهی غربت می شدند تا بلکه در جای دیگری به آزادیهای اولیه ای که در کشور خودشان و تحت سلطه آخوندها دست یافتن به آنها میسر نیست را به دست آورند.

در ابتدا، جمهوری اسلامی توسط ایادی داخلی و خارجی خود سعی در لاپوشانی شلیک موشک توسط سپاه پاسداران به هواپیمای اوکراینی را داشت. رژیم هراس داشت با روشن شدن موضوع انهدام هواپیمای اوکراینی توسط سپاه پاسداران، هیاهوی "انتقام سخت" و "حمله جانانه" به مواضع آمریکا تحت تاثیر افکار عمومی قرار بگیرد و بطور حتم به حاشیه رانده شود.

اینکه سردمداران رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و علی خامنه ای به عنوان "فرمانده کل قوا" بعد از هدف قرار گرفتن هواپیمای مسافربری توسط سپاه پاسداران در جریان ریز امور قرار گرفته اند را پاسدار علی عبداللهی، معاون هماهنگ کننده ستاد کل نیروهای مسلح، عنوان می کند و می گوید: "حدود ساعت ۱۹:۳۰ تا ۲۰ روز چهارشنبه به ستاد کل نیروهای مسلح اطلاع داده شد که این اتفاق محرز شده است که بلافاصله تیم بازرسی توسط ستاد کل نیروهای مسلح از عناصر مختلف تشکیل شد، ساعت ۲۰ جمع شدند و تا ساعت ۲۲ شب توجیه شدند و ساعت ۲۲ شب چهارشنبه اعزام شدند."

رهبر جمهوری اسلامی بمانند همیشه، این بار هم خود را کنار کشیده و نمی خواهد هیچ مسوولیتی را در قبال گشته شدن سرنشینان هواپیما توسط ایادیش و دهها افتضاحی که تنها از بی مسوولیتی، بی کفایتی، بی اطلاعی و دزدیهای کلان اقتصادی هر روز در کشور بروز می کند، به گردن بگیرد. او از ترس درهم شکسته شدن اُتوریت بر باد رفته اش بارها

و بارها به اندرونی پناه برده و خود را تنها نظاره گر، جلوه داده است. اما کیست که نداند علی خامنه ای در گجای هرم قدرت رژیم فاسد جمهوری اسلامی ایستاده و چه نقشی در طرح و اجرای سیاستهای کلان رژیم ایفا می کند. دقیقاً بر همین پایه است که در قیامهای گسترده سالهای اخیر و بخصوص در دی ماه امسال دانشجویان و مردم کشور از اولین ساعات شروع اعتراضات، با شعارهای سرنگونی طلبانه، کل نظام و رهبر آن را هدف گرفتند:

"خامنه ای قاتله، حکومتش باطله"

"خونی که در رگ ماست خوراک رهبر ماست"

"این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت"

"سپاه جنایت می کنه، رهبر حمایت می کنه"

روز شنبه ۲۱ دی ماه و بعد از اعتراف اجباری رژیم به هدف قرار دادن هواپیمای اوکراینی توسط پدافند ضد هوایی سپاه پاسداران، دانشجویان دانشگاه تهران و صنعتی شریف به نشانه احترام به کشته شدگان و همدردی با بازماندگان، با روشن کردن شمع و قرار دادن عکسهای تعدادی از دوستان و رفقای خود در محوطه دانشگاه تجمع کردند.

اما این تجمع کوچک به قیامی دیگر راه گشود. طی چهار روز (شنبه ۲۱ دی تا سه شنبه ۲۴ دی) در ۲۱ شهر و ۲۱ دانشگاه کشور دانشجویان و مردم دست به اعتراض زدند و به خیابان آمدند.

نیروهای سرکوبگر رژیم بعد از سلاخی و گشتار بزدلانه آبان ماه با تیربار و سلاحهای جنگی، این بار افزوده بر استفاده از گلوله های جنگی، متوسل به استفاده و شلیک با تفنگ بادی و گلوله های ساچمه ای و پلاستیکی شدند و شماری را از معترضان را نیز دستگیر کردند. بنا به گزارشهای محلی، در دانشگاه تبریز حداقل ۷ نفر بازداشت شدند. همچنین در شهرستان آمل خبرها حاکی از دستگیری ۱۳ نفر است. غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی قوه قضاییه، از بازداشت دستکم ۳۰ شهروند در جریان تجمعات و اعتراضات مردمی اخیر خبر داده است.

سیر حرکت اعتراضات آنچنان رو به شتاب است که دیگر برای مردم، اعم از دانشجو یا کارگر، کارمند یا مُحصل، بیکار یا غارت شده، مکان و زمان مُعین برای اعتراض، معنای حقیقی خود را از دست داده است. آنان برای شورش بر این نظم کژ، دیگر نیازی به تجمعات چندین هزار نفری و از پیش برنامه ریزی شده نمی بینند. هر تجمعی، خواه چند ده نفری، پتانسیل قیامی بزرگ را در درونش می پروراند. آنان همچنین از تجربیات تلخ گذشته نیز به این نتیجه رسیده اند، برای به حرکت در آوردن موج، نیازی به فردی با "شال سبز" نیست، این اراده و عزم استوار خود آنها است که تداوم بخش و نیروی محرکه قیام است.

مردم دیگر از دُرُوغ و تزویر حکومتیان به تنگ آمده اند، دیگر هیچ "اصلاحی" را نمی پذیرند و دیگر کسی نمی تواند بگوید: اگر رای ندهی، این قاتل رییس جمهور می شود و آن قاتل به مجلس می رود. مردم راه خود را به درستی انتخاب کرده اند: "نه رفراندوم، نه اصلاح - اعتصاب، انقلاب".

دانشگاه آزاد صندلی فروشی را منکر شد

احمد حیدری، سخنگوی دانشگاه آزاد، درباره صندلی فروشی در دانشگاه آزاد گفت: "در دانشگاه آزاد هیچ صندلی فروشی صورت نگرفته. ۷۰۰ هزار دانش آموز پشت کنکور پزشکی هستند که کمتر از ۱۰ هزار نفر آنها در سه رشته پرطرفدار پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی قبول می شوند و بالطبع در این مسیر عده ای دلال و سودجو به شیوه های مختلف از این اشتیاق مردم سوواستفاده می کنند و وعده وعید صندلیهای علوم پزشکی دانشگاهها را می دهند.

سخنگوی دانشگاه آزاد با تاکید بر اینکه حتی یک مورد از اینها موفق به نام نویسی نشده اند، افزود: "بنده تاکید می کنم که هیچ موردی از این کلاهبرداریها موفق نبوده و نتوانسته اند در دانشگاه رخنه کنند و حتی اگر یک مورد هم باشد و به ما معرفی شود، فوراً اخراج می کنیم."

این سخنان در حالی ابراز می شود که سرکرده نیروی انتظامی تهران در ۲۶ آذر ماه از شناسایی ۴۰ نفر که با خرید صندلی در دانشگاه آزاد مشغول تحصیل بودند. او اعلام کرد که در این رابطه اعضای یک باند فروش صندلی دستگیر شده اند و افزود: "تحقیقات در این پرونده ادامه دارد."

تحصن دانشجویان دانشگاه علم و صنعت در ساختمان ریاست



روز سه شنبه ۳ دی جمعی از دانشجویان دانشگاه علم و صنعت در واکنش به انتصاب عبدالمجید ارجمندی، سرپرست جدید معاونت فرهنگی این دانشگاه، خواستار برکناری او شدند. آنها می گویند مسوول جدید یکی از طرفداران تشکیل پرونده های قضایی علیه دانشجویان است. دانشجویان متحصن در ساختمان ریاست دانشگاه علم و صنعت در شرایطی در حال ادامه تحصن خود هستند که نه تنها ریاست دانشگاه - دکتر ذاکری - در جمع متحصنان حضور نیافته است، بلکه حراست دربهای این ساختمان را

قفل کرده و دانشجویان در عمل در ساختمان زندانی شده اند و حتی حق استفاده از سرویس بهداشتی را نیز ندارند. خواسته های اساسی دانشجویان متحصن عبارتست از:

- ۱- عزل فوری دکتر ارجمندی از سمت سرپرستی معاونت فرهنگی دانشگاه.
 - ۲- اعمال نظر اعضای شورای صنفی، تشکلهای و کانونهای معترض به عنوان نماینده دانشجویان در انتصاب معاونت فرهنگی
 - ۳- عدم تشکیل پرونده در کمیته انضباطی برای متحصنین
- مسوولین دانشگاه هنوز واکنشی به خواسته های دانشجویان نداشته اند. لازم به ذکر است که دانشجویان به علت حضور نیافتن رییس دانشگاه در بین معترضان، در اقدامی جالب عکس او را به عنوان گمشده روی کاغذ چاپ کردند.

اعتصاب دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز

جمعی از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز روز سه شنبه ۳ دی در اعتراض به کاهش دستمزد کار ساعتی دانشجویان در بیمارستانها دست به اعتصاب زدند و در بخشهای مربوطه حاضر نشدند. دانشگاه دستمزد کار ساعتی دانشجویان در بیمارستانها را از ۵۵۰۰ تومان به ۴۲۰۰ تومان کاهش داده است. معترضان به این تصمیم دانشگاه، در بخشهای اورژانس، اطفال، بزرگسال، پذیرش، رادیولوژی و دیگر بخشهای بیمارستانهای تحت مدیریت علوم پزشکی شیراز مشغول به کارند. دانشجویان معترض اعلام کرده اند تصمیم دانشگاه به کاهش دستمزد ساعتی کار دانشجویی در حالی اتخاذ شده است که نرخ غذا و هزینه های خوابگاهی آنان افزایش داشته است. آنان همچنین تاکید کردند که تا رسیدگی به خواسته شان به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

اعتصاب غذای سه‌مرتضایی در زندان اوین

سه‌مرتضایی، فعال دانشجویی و دبیر پیشین شورای صنفی کل دانشجویان تهران که رتبه ۱۰ کنکور دکتری رشته علوم سیاسی را به دست آورده، طی روزهای اخیر در اعتراض به ادامه بازداشت خود در زندان اوین دست به اعتصاب غذا زده است. او قبل از بازداشت، در اعتراض به ستاره دار شدن و محرومیت از تحصیل، در برابر کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران دست به تحصن زده بود.

این دانشجوی زندانی در آخرین تماس تلفنی خود از زندان اوین از ارسال نامه ای به بازپرس پرونده اش در اعتراض به بی عدالتی موجود در پرونده خود خبر داده و گفته است: "وقتی من زندانی توان تامین وثیقه ندارم، موظفید مرا به قید تعهد



آزاد کنید. آنچه من اکنون شاهدش هستم همان بی عدالتی و تبعیضی است که برای آن زندانی شده ام؛ چون توان مالی تامین وثیقه را ندارم باید در زندان بمانم. در اعتراض به این روند ناعادلانه تا زمان تعیین تکلیف دست به اعتصاب غذا می زنم."

پیشتر وثیقه ای ۵۰۰ میلیون تومانی جهت آزادی موقت سها مرتضایی تا پایان مراحل دادرسی تعیین شده بود.

در جریان اعتراضات سراسری آبان در واکنش به افزایش قیمت بنزین، ده ها تن از دانشجویان از جمله سها مرتضایی در شهرهای مختلف کشور توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

این دانشجوی نخبه پیشتر نیز در سلسله بازداشت‌های اواخر دی ماه سال ۹۳ به همراه تعدادی از فعالین دانشگاه های امیرکبیر و علامه بازداشت و پس از حدود دو ماه در بهمن ماه همان سال آزاد شده بود.

طرح تحقیق و تفحص از دانشگاه آزاد منتفی شد

سخنگوی دانشگاه آزاد از منتفی شدن طرح تحقیق و تفحص از دانشگاه آزاد اسلامی در کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس خبر داد. احمد حیدری گفت: "طی جلسه ای که با نمایندگان سوال کننده در کمیسیون داشتیم، پس از ارایه توضیحات دانشگاه آزاد اسلامی به سوالات، نمایندگان قانع شدند و طرح تحقیق و تفحص از دانشگاه آزاد اسلامی در همان جلسه منتفی شد."

پیشتر یک عضو کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس تاکید کرده بود: "به موضوعاتی از قبیل صندلی فروشی رسیدگی خواهد شد و در حال حاضر اسناد خوبی در این زمینه به دست آمده."

تجمع اعتراضی دانشجویان ساکن خوابگاههای دانشگاه تهران

ظهر روز شنبه ۷ دی، جمعی از دانشجویان ساکن خوابگاههای سطح شهر دانشگاه تهران برای اعتراض نسبت به وضعیت نامناسب این خوابگاهها دست به تجمع مقابل ساختمان مرکزی دانشگاه زدند.

در همین رابطه، یک عضو شورای صنفی خوابگاههای سطح شهر دانشگاه تهران گفت: ما امروز با تجمع در مقابل ساختمان مرکزی دانشگاه خواستار پیگیری مطالبات صنفی و رفاهی خود از سوی مسئولان دانشگاه شدیم. چرا که حدود یک سال است که مدام در خصوص خواسته‌های خود نامه‌نگاری می‌کنیم؛ اما این پیگیریها تا کنون به جایی نرسیده و مسئولان مدام کمبود بودجه را عامل اصلی این مشکلات می‌دانند.

تجمع اعتراضی دانشجویان پردیس عباسپور دانشگاه بهشتی

روز یکشنبه ۸ دی، دانشجویان روزانه پردیس عباسپور دانشگاه بهشتی برای اعتراض به مصوبه جدید آموزشی مبنی بر اخذ هزینه بابت حذف اضطراری دروس دست به تجمع در ساختمان هشتروندی این دانشگاه زدند.

تجمع کنندگان دانشجویان مقطع کارشناسی ورودیهای ۹۵ تا ۹۸ رشته‌های برق، مکانیک و عمران پردیس عباسپور دانشگاه بهشتی هستند که نسبت به بسته شدن سامانه آموزشی این دانشگاه و همچنین مصوبه آموزشی اخذ هزینه از دانشجویان روزانه اعتراض کردند.

تجمع دوباره دانشجویان دانشگاه بهشتی

شماری از دانشجویان دانشگاه بهشتی در اعتراض به مصوبه جدید آموزشی مبنی بر اخذ جریمه برای واحدهای افتاده و



حذفی برای دانشجویان ورودی ۹۷ به بعد، در مقابل ساختمان ریاست این دانشگاه دست به تجمع زدند.

این دانشجویان روز سه شنبه ۱۰ دی با حمل پلاکاردهایی با شعارهایی نظیر "بودجه دانشگاه تو جیب دانشجو نیست"، "نه به دانشگاه خصوصی" و "نه به پولی سازی آموزش" اعتراض خود را به گوش مسوولان دانشگاه رساندند.

دانشجویان معترض همچنین با تهیه

طوماری به شرح مطالبات و علت اعتراض خود به مصوبه جدید آموزشی پرداختند.

در این طومار که تاکنون به امضای ۸۰۰ تن از دانشجویان رسیده، با اشاره به اینکه خواسته دانشجویان حذف بدون قید و شرط مصوبه جریمه مربوط به واحدهای حذف شده، افتاده و جبرانی برای دانشجویان در تمام مقاطع است، تاکید شده: "ما دانشجویان منتظر پاسخ شما مسوولان هستیم، در غیر این صورت اعتراضات را با شروع ترم جدید از سر می گیریم." یکی از دانشجویان حاضر در تجمع پیرامون علت این تجمع گفت: "دانشگاه می خواهد از راه کسب شهریه از دانشجویان روزانه کسب درآمد کند. هر دانشجو باید به ازای هر واحد حذف شده یا جبرانی هزینه هنگفتی را متحمل شود. ما دانشجویان دوره کارشناسی بیکار هستیم و از پس هزینه های غیر احتمالی دانشگاه بر نمی آیم. از سوی دیگر، ما رتبه های برتر کنکور سراسری بوده ایم، بنابراین نباید برای تحصیل هزینه ای پرداخت کنیم."

تجمع دانشجویان دانشگاه صنعتی شیراز

شماری از دانشجویان دانشگاه صنعتی شیراز روز سه شنبه ۱۰ دی در اعتراض به دریافت شهریه دروس جبرانی و پولی سازی آموزش تجمع کردند و خواستار لغو فوری مصوبات هیات امنای دانشگاه شدند.

شایان توجه است دانشگاه هایی همچون امیرکبیر و گلستان دارای ۱۰ ترم سنوات مجاز می باشند و نام ۴۱ دانشگاه مطرح دولتی در لیست دانشگاه های با ۹ ترم سنوات مجاز دیده

می شود که دانشگاه صنعتی شیراز در راستای تبدیل به بنگاه آموزشی از این لیست خارج شده است.

دانشگاه تاکید کرده براساس تبصره ۱ ماده ۷ آیین نامه آموزشی مقطع کارشناسی پیوسته ورودی ۱۳۹۷ به بعد، دانشجویان مشمول آموزش رایگان در صورت حذف اضطراری، غیبت غیرموجه در کلاس و یا امتحان درس و عدم کسب نمره قبولی در هر درس، برای انتخاب مجدد همان درس موظف به پرداخت هزینه مربوط طبق مصوبه هیات امناء دانشگاه هستند.

دانشجویان معترض خواستار لغو کلیه مصوبات و بازگرداندن تمامی هزینه های اخذ شده از این طریق به دانشجویان و بازگشت سنوات مجاز به حالت قبل شدند. این تجمع را جمعی از تشکلهای دانشجویی حمایت می کردند.



تجمع اعتراضی در برخی دانشگاه ها، تدابیر امنیتی شدید در تهران

عصر روز شنبه ۲۱ دی ماه، گروهی از دانشجویان و مردم مقابل دانشگاههای امیرکبیر و صنعتی شریف در همدردی با خانواده ها قربانیان و در اعتراض به حادثه شلیک موشک سپاه پاسداران به هواپیمای مسافری و پنهانکاری مقامات جمهوری اسلامی تجمع کردند.



تجمع اعتراضی دانشجویان با پیوستن مردم به این اعتراضات در شامگاه بزرگتر شد و در برخی از مناطق تهران، از جمله چهار راه حافظ به خیابانهای اطراف کشیده شد. ماموران امنیتی در مقابل دانشگاه امیرکبیر با تاریک شدن هوا، برای متفرق کردن معترضان از گاز اشک آور استفاده کردند.

شعارهای دانشجویان و مردم ساختار

حکومت اسلامی را نشانه گرفته بود. شعارهایی از جمله: "این همه سال خیانت، مرگ بر ولایت"، "فرمانده کل قوا، استعفا استعفا" و "سپاهی حیا کن، مملکت روها کن".

همچنین تجمعات اعتراضی در تعداد دیگری از شهرهای ایران از جمله تهران، ساری، اصفهان، رشت، همدان، کرمان، شیراز، بابل و ارومیه برگزار گردید که با واکنش نیروهای امنیتی مواجه شد.

روز یکشنبه ۲۲ دی ماه، دانشجویان معترض دانشگاه بهشتی تهران و دانشگاه صنعتی اصفهان تجمع کرده و شعارهای ضدحکومتی سر دادند. جو چندین نقطه از تهران بشدت امنیتی و شاهد حضور پرشمار نیروهای انتظامی و دیگر نیروها است.

دانشجویان معترض در دانشگاه بهشتی تهران شعار می دادند: "سپاه بی کفایت، عامل قتل ملت"، "دانشجو بیدار است - از سیدعلی بیزار است". دانشجویان همانند شنبه شب شعارهای ضد سپاه پاسداران، صدا و سیما و علی خامنه ای، سر دادند: از جمله این شعارها می توان به "سپاه بی کفایت، عامل قتل ملت"، "کشته ندادیم که سازش کنیم، رهبر قاتل رو ستایش کنیم"، "بسیجی سپاهی، داعش ما شمایی" و "به من نگو فتنه گر، فتنه تویی ستمگر" اشاره کرد.

حکومت با بازداشت دانشجویان به اعتراض آنها پاسخ می دهد

شوراهای صنفی دانشجویان کشور از بازداشت چند دانشجو خبر داده است.

به گفته این تشکل، محمدامین حسینی، دبیر سابق شورای صنفی دانشگاه نوشیروانی بابل و محمد اسماعیلی، دانشجوی رشته عکاسی دانشگاه تهران از جمله بازداشت شدگان هستند.

"انجمن فرهنگ و تمدن اسلامی" دانشگاه نوشیروانی بابل نیز در کانال تلگرامی خود خبر داد که چند تن



محمد امین حسینی



محمد اسماعیلی

از دانشجویان این دانشگاه در اعتراضات شب گذشته، یکشنبه ۲۲ دی، در شهر بابل بازداشت شده اند.

این انجمن هشدار داد که تعرض به حریم دانشگاه و بازداشت دانشجویان از خطوط قرمز این تشکل بوده و تا آزادی بی قید و شرط این دانشجویان از پا نخواهد نشست.

تاکنون نهاد بازداشت کننده مشخص نشده است.

بازداشت سه دانشجوی دانشگاه رازی کرمانشاه



روز یکشنبه ۲۲ دی ماه، در جریان برگزاری تجمع دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه در اعتراض به سرنگونی هواپیمای اوکراینی از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دستکم چهار دانشجو بازداشت شدند، یکی از آنها ساعاتی بعد آزاد شد و سه تن دیگر تاکنون در بازداشت هستند.

سیاوش حیاتی، ۶۱ ساله، دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی و سخنگوی مجمع مشورتی فعالان مدنی یارسان، صلاح غریبی، دانشجوی

رشته دامپزشکی، و نبی تردست، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی سه دانشجویی هستند که تاکنون در بازداشت هستند.

مجمع مشورتی فعالان مدنی یارسان نیز امروز طی بیانیه‌ای با تایید خبر بازداشت سیاوش حیاتی اعلام کرد که اعضای خانواده این فعال مدنی توانسته‌اند وی را در بازداشتگاه پلیس امنیت کرمانشاه ملاقات کنند. در این بیانیه همچنین آمده است که سیاوش حیاتی در زمان بازداشت مورد ضرب و شتم و اهانت قرار گرفته و آثار کبودی بر روی بدن وی مشاهده شده است.

همچنین گفته می‌شود این فعال مدنی از روز گذشته تاکنون در اعتراض به بازداشت غیرقانونی خود دست به اعتصاب غذا زده است. نبی تردست پیشتر در جریان اعتراضات دی ماه ۹۶ بازداشت و پس از مدتی با سپردن وثیقه آزاد شده است.

حمله اوباش بسیجی و لباس شخصی به تجمع دانشجویان دانشگاه بهشتی و دانشگاه تهران



روز سه شنبه ۲۴ دی، در چهارمین روز اعتراضات در دانشگاه‌ها و شهرهای ایران، ماموران بسیجی و لباس شخصی تجمع دانشجویان معترض در دانشگاه بهشتی را به تشنج کشاندند.

در این روز شمار زیادی از دانشجویان دانشگاه بهشتی تهران در محوطه دانشگاه تجمع کرده بودند و اوباش حکومتی بسیجی در حالی که از بلندگو صدای نوحه می‌آمد، برای مقابله با آنها وارد محوطه دانشگاه شدند.

دانشجویان دانشگاه تهران نیز در چهارمین روز اعتراضات در محوطه دانشگاه یک تجمع اعتراضی برگزار کردند. آنها شعار می‌دادند: "دانشجو، کارگر - ایستاده ایم در سنگر"، "نه رفراندوم، نه اصلاح - انقلاب، اعتصاب"

تجمع و راهپیمایی دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان

روز چهارشنبه ۲۵ دیماه ۹۸ دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان در اعتراض به ساقط کردن هواپیمای اوکراینی توسط موشک سپاه پاسداران در محوطه این دانشگاه تجمع کردند.

آنها در اعتراض به خفقان ایجاد شده با ماسک و ضربدر سیاه روی آن، تراکتهایی در دست داشتند که روی آنها از جمله نوشته شده بود: "۱۷۶+۱۵۰۰، دروغ خطای انسانی نیست".

دانشجویان همچنین دست به راهپیمایی زدند که "بسیجی برو گمشو" از شعارهای سر داده شده در جریان آن بود. این حرکت اعتراضی در حالی صورت گرفت که پاسداران سپاه پشت درب دانشگاه مستقر شده بودند. حراست رژیم در دانشگاه نیز مانع ادامه تجمع دانشجویان شد. اما دانشجویان گفتند تا رسیدن به اهداف جنبش به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه کردستان

غروب روز چهارشنبه ۲۵ دی دانشجویان دانشگاه کردستان در سنج تجمع کرده و شروع به شعار دادن علیه خامنه ای و سپاه پاسداران کردند. آنها شعار می دادند: "مرگ بر دیکتاتور" و "سپاهی حیا کن، مملکتو رها کن". دانشجویان در حالیکه پا روی زمین می کوبیدند، خطاب به بسیجیها شعار "بی شرف، بی شرف" و "توپ تانک فشفشه، بسیج باید گم بشه" می دادند.

این تجمع که در ادامه اعتراضهای چند روز گذشته دانشجویان برگزار شده بود، با یورش اوباش بسیجی که از طرف "دفتر رهبری" سازماندهی شده بودند، روبرو شد. مهاجمان با دانشجویان درگیر شدند و حراست دانشگاه نیز اقدام به بستن درهای دانشکده کرد.

تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان تبریز

روز پنج شنبه ۲۶ دی، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان پردیس علامه امینی تبریز برای اعتراض نسبت به وضعیت نامناسب رفاهی از جمله کیفیت نامطلوب غذای سلف دست به تجمع زدند و خواهان استعفا مسئولان بی کفایت ذیربط شدند.

بازداشت دستکم سه دانشجو در جریان اعتراضات دانشگاه کردستان

دستکم سه دانشجو در جریان اعتراضات در دانشگاه کردستان بازداشت و به بازداشتگاه های نامعلوم منتقل شدند.



بنابر اعلام شورای صنفی دانشجویان کشور، مسلم سلیمانی، زانیار احمدپور و ارشد اتابک از جمله دانشجویانی هستند که در جریان اعتراضات دانشگاه کردستان بازداشت شده اند.

ارشد اتابک، دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات عرب، مسلم سلیمانی، دانشجوی کارشناسی ارشد مکانیک و زانیار احمدپور، دانشجوی کارشناسی اقتصاد هر از سه دانشجوی دانشگاه کردستان هستند که از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شده اند.

قاضی صلواتی و کیلان مدافع سه مرتضایی را از ورود به شعبه منع کرد

به دستور ابوالقاسم صلواتی، رییس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران، محمدهادی عرفانیان و مصطفی نیلی، دو وکیل مدافع سه مرتضایی، دانشجوی محروم از تحصیل و محبوس در زندان قرچک ورامین، از ورود به این شعبه دادگاه منع شدند. بنا بر اعلام یک منبع نزدیک به سه مرتضایی، پرونده این دانشجوی زندانی روز سه شنبه ۱۷ دی ماه برای طی مراحل دادرسی به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران ارجاع داده شده است.

به گفته همین منبع پس از گذشت یک هفته از ارجاع پرونده به این شعبه، وکیلان مدافع سه مرتضایی به دلیل ممانعت قاضی صلواتی همچنان موفق به گرفتن تاییدیه وکالت از او نشده اند.

شعبه پانزدهم دادگاه انقلاب در میان وکلا به عملکرد فراقانونی و نادیده گرفتن حقوق زندانی معروف است. ابوالقاسم صلواتی در این شعبه در پذیرش یا نپذیرفتن وکیل اختیار تام دارد و در برخی موارد دیده شده که حتی پس از پذیرش وکالت از سوی او، وکلا اجازه حضور در دادگاه را پیدا نمی کنند.

سه مرتضایی روز ۵ دی ماه در اعتراض به بلاتکلیفی خود، ادامه بازداشتش و عدم تودیع وثیقه از سوی قاضی دادگاه، اعلام اعتصاب غذا کرد، اما با درخواست دوستان و همچنین قبول مساعد رییس زندان قرچک مبنی بر رسیدگی به خواسته‌هایش، روز یکشنبه ۲۲ دی ماه به اعتصاب غذای خود پایان داد.

شبیخون لباس شخصیها به خوابگاه دانشجویان دانشگاه تهران با همدستی حراست

نیروهای لباس شخصی با همدستی حراست دانشگاه تهران به خوابگاه "شهادی دانشجویان" وارد شدند، یکی از دانشجویان را بازداشت کردند و سپس با این تهدید که "با تعداد بیشتری برمی گردیم"، محیط خوابگاه را ترک کردند.



دانشجویان در اعتراض به این حرکت، عصر همان روز

در جلوی خوابگاه تحصن کردند تا بالاخره اسماعیل سلیمانی، رییس کل حراست این دانشگاه، در جمع تحصن کنندگان حاضر شد و گفت: "بازداشت دانشجویان حق شان بود! آنها به رهبری فحش داده و توهین کرده اند."

یکی از دانشجویان معترض می گوید: "سلیمانی با بچه ها طلبکارانه برخورد کرد. حتی منکر حضور لباس شخصیها در زمانهای مختلف در دانشگاه شد و گفت اصلا اینطور نیست. ما اعتراض کردیم که چرا ویدیوهای ضبط شده دوربینهای دانشگاه را در اختیار نهادهای امنیتی قرار می دهد، که پاسخ داد شما هم همین کار را می کنید. یکی از بچه ها مشغول صحبت بود که همکار سلیمانی از او فیلم می گرفت، اما با اعتراض دانشجویان ناچار شد فیلمبرداری را قطع کند."

(منابع: آنا، تلگرام شوراها صنفی دانشجویان کشور، دویچه وله، کانال تلگرامی عصر دانشجویان، ایسنا، خبرگزاری هرانا، خبرگزاری دانشجویان، خبرنگار دانشجویان ایران، ایرنا، مهر، خانه ملت، رادیو فردا، ایران اینترنشنال، شبکه حقوق بشر کردستان)

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalqh

https://telegram.me/nabard_khalqh

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

چالش‌های معلمان (دی ۹۸)

فرنگیس بایقره

گزارشی از تجمع و تحصن همزمان معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته

روز دوشنبه ۲ دی ماه به دنبال فراخوان قبلی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، معلمان در شهرهای



مشهد، تهران، شیراز، کرج، بوشهر، سنندج، بجنورد، صفاشهر در استان فارس، سقز و مریوان در دفاتر مدرسه تحصن کرده و در کلاسهای درس حاضر نشدند.

معلمان تراکتهایی در دست داشتند که از جمله روی آنها از جمله نوشته شده بود: "نه به فقر و تبعیض"

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران روز سه شنبه ۲۶ آذر با انتشار بیانیه‌ای از معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته

کشور خواسته بود تا در اعتراض به تبعیض و به منظور بهبود وضعیت معیشتی بازنشستگان اقدام به برگزاری تحصن و تجمع کنند.

در این فراخوان همچنین به کشته شدن دانش آموزان در جریان اعتراضات سراسری آبان ماه اشاره شده و آمده بود: "امروز اگرچه به خاطر سرکوب وضعیت معیشتی اکثریت جامعه و جان باختن دانش آموزان و جوانان مان داغداریم، اما از این زخمها، آزادی جوانه خواهد زد و صدای دادخواهی و عدالتخواهی ما تکثیر خواهد شد."

تجمع اعتراضی معلمان و فرهنگیان بازنشسته

معلمان و فرهنگیان بازنشسته همراه با سایر بازنشستگان صندوقهای دولتی روز دوشنبه ۲ دی ماه دست به تجمع در برابر مجلس شورای اسلامی زدند.

تجمع کنندگان نسبت به افزایش نیافتن حقوق بازنشستگان متناسب با تورم در بودجه سال آینده اعتراض کردند. به گفته آنها افزایش ۱۵ درصدی حقوق بازنشسته ها تامین کننده نیازهای معیشتی نیست.



شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران پیشتر با انتشار بیانیه ای خواسته های معلمان از این اعتراضات را افزایش سهم فرهنگیان و دانش آموزان از بودجه سالیانه کشور، عقد قراردادهای جدید آموزش و پرورش با شرکتهای بیمه متخصص و بهبود وضعیت بیمه تکمیلی عنوان داشته بود.

همچنین انجمن صنفی بازنشستگان در پی تعطیلی مدارس در استانهای البرز و تهران، از تمامی فرهنگیان شاغل خواسته بود تا در مقابل مجلس به تجمع بازنشستگان بپیوندند.

همزمان با این تجمع، تعدادی از معلمان در شهرهای مختلف کشور از جمله مشهد، تهران، شیراز، کرج، بوشهر، سنندج، بجنورد، سقز، صفاشهر و مریوان نیز برای حمایت از همکاران بازنشسته خود دست به تحصن زده و از حضور در کلاسهای درس در زنگ دوم خودداری کردند.

تجمع کنندگان در این روز با سر دادن شعار و در دست داشتن شعارنوشته هایی همچون: "تا رسیدن به خواسته های قانونی پیگیری ادامه دارد"، "تامین سیستم درمانی کارآمد و رایگان"، "تا دستیابی به مطالبات مان متحدانه به تجمع ادامه خواهیم داد"، "پاسخ مطالبات مردم زندان و گلوله نیست"، "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم"، "فریاد! فریاد! از این همه بیداد"، "معلمین منتقد در بند را آزاد کنید"، "خط فقر هشت میلیون، حقوق ما دو میلیون" و "اجرای صحیح قانون مدیریت خدمات کشوری" نسبت به بی توجهی مسوولان نسبت به خواسته هایشان اعتراض کردند.

عبدالرضا قنبری از زندان رجایی شهر کرج آزاد شد



عبدالرضا قنبری، معلم و زندانی سیاسی، روز یکشنبه ۲ دی ماه با پایان دوره محکومیت خود از زندان رجایی شهر کرج آزاد شد. عبدالرضا قنبری چند روز پس از وقایع موسوم به عاشورای سال ۸۸ در آن تدریس می کرد بازداشت و پس از حدود دو ماه بازجویی در بهمن ماه ۸۸ توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی به اتهام محاربه از طریق همکاری با سازمان مجاهدین خلق به اعدام محکوم شد.

حکم اعدام وی پس از چهار سال در دیوان عالی کشور نقض شد و در خرداد ماه ۹۲ توسط شعبه یک دادگاه انقلاب از ۱۵ سال حبس به ده سال محکوم شد. این حکم نیز در دادگاه کاهش پیدا کرد این معلم و نویسنده سپس در تاریخ ۲۶ اسفندماه ۹۴ پس از تحمل بیش از ۶ سال حبس به دلیل حذف ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۷۵ که منجر به قبول اعاده دادرسی و بالطبع تعلیق اجرای حکم او شده بود، از این زندان آزاد شد. با قبول اعاده دادرسی و بررسی مجدد توسط شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقیسه در شهریور ماه ۹۶، حکم سابق وی نه تنها کاهش نیافت بلکه به ۱۵ سال حبس افزایش پیدا کرد. آقای قنبری در تاریخ ۲۱ مهرماه ۹۷ پس از حضور در دادسرای اوین، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به بند ۸ زندان اوین منتقل شده بود. او در تاریخ ۱۹ آبان ۱۳۹۷ از بند ۸ زندان اوین به زندان رجایی شهر کرج منتقل شد. مدت محکومیت آقای قنبری در نهایت در شهریور ماه امسال از ۱۵ سال حبس به ۱۰ سال کاهش پیدا کرد. این حکم با عدم اعتراض و تسلیم به رای به ۷ سال و شش ماه زندان کاهش پیدا کرده بود. کتابهای "کند و کاوهای ادبی"، "مار مرد" و نمایشنامه "غریبه ای در قونیه" از آثار عبدالرضا قنبری است.

تنبیه بدنی یک دانش آموز به صورت برهنه و با تسبیح

تنبیه بدنی یک دانش آموز در یکی از مدارس شهرستان هامون واقع در استان سیستان و بلوچستان موجب واکنش مردم شد. خانواده این کودک ضمن تاکید بر اینکه خواستار برخورد قانونی با معلم فرزندشان هستند، اعلام کردند که به حراست آموزش و پرورش شهرستان سرباز مراجعه و شکایتی را از معلم در این باره مطرح کرده اما تاکنون پاسخی از سوی مدیر مدرسه یا مسوولان حراست دریافت نکرده اند.

پدر این دانش آموز گفت: "چند روز پیش پسرم با بدنی کبود و چشمانی گریان به خانه آمد. وقتی علت را پرسیدیم گفت معلمش او را با تسبیح دانه درشتی کتک زده است. آن طور که پسرم و همکلاسیهایش گفتند، معلم شان در ساعت درسی دقیقی کلاس را ترک کرده و بچه ها نیز نظم کلاس را به هم زده بودند. وقتی معلم به کلاس برگشته و با این صحنه روبرو شده، همه دانش آموزان کلاس را در یک صف قرار داده و با تسبیح دانه درشت کتک زده است. در این بین پسرم خود را از ترس زیر میز پنهان کرده، اما معلم او را دیده و مجبورش کرده لباسش را درآورد تا تنبیهش کند. وقتی پسرم به خانه آمد همه بدنش کبود شده بود."

۲۵ هزار کلاس درس با بخاری نفتی گرم می شوند



با گذشت چندین سال از وعده های مسوولان مبنی بر جمع آوری بخاریهای نفتی، هنوز ۲۵ هزار کلاس درس در ایران با بخاری نفتی گرم می شوند. به گفته مهراولله رخشانی مهر، رییس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور، بیشترین تعداد بخاری نفتی در استان خراسان رضوی و کمترین تعداد آن مربوط به تهران و همدان می شود.

در همین رابطه مدیرکل نوسازی و تجهیز استان کردستان با کوچک جلوه دادن خطر نوعی از

بخاریهای نفتی که دارای کاربراتور است، گفت: "وقوع خطر هر لحظه امکان پذیر است، اما با بررسیهایی که به کمک وزارت آموزش و پرورش انجام داده ایم، هیچ نوع بخاری چکه ای در استان کردستان وجود ندارد و بخاریهای نفتی در این مناطق بخاریهای کاربراتور دار هستند. این بخاریها خیلی خطرناک نیستند! ضمن این که به دانش آموزان یاد داده ایم که خیلی به سمت این بخاریها نروند و کاری با آن نداشته باشند."

رضا سرحدی نیا، مدیرکل نوسازی و تجهیز مدارس استان سیستان و بلوچستان، نیز گفت: "بیش از چهار هزار کلاس درس در استان سیستان و بلوچستان بخاری غیراستاندارد دارند."

وی با این حال افزود: "ما آمار داریم بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ کلاس درس در مناطق مختلف استان دارای بخاری نفتی هستند، البته این بستگی به مدارس مناطق مختلف دارد."

علی قربانی، مدیرکل نوسازی و تجهیز مدارس استان خوزستان، درباره آخرین وضعیت بخاریهای نفتی در مدارس این استان گفت: "در برخی روستاهای اطراف ایذه، مسجد سلیمان و همچنین اهواز ۸۰۰ کلاس درس دارای بخاری نفتی بدون علمک گاز هستند. ما سعی کردیم برای دفع خطر، این بخاریها را جمع آوری کنیم، اما به علت نبود اعتبار هنوز بخاری جدید و استاندارد جایگزین نشده است."

چهلّم شهدای آبان؛ فعال صنفی معلمان بازداشت شد

جعفر ابراهیمی، معلم و عضو کانون صنفی معلمان تهران، روز پنجشنبه ۵ دی ماه مصادف با چهلّم شهدای اعتراضات آبان، در بهشت سکینه کرج توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد.

روز پنجشنبه ۵ دی ماه، شماری از شرکت کنندگان در مراسم چهلّم شهدا در شهرهای کرج، تهران، قزوین، رشت و شهریار توسط نهادهای امنیتی بازداشت شده و برخی نیز توسط ماموران مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با انتشار اطلاعیه

ای ضمن اعتراض به بازداشت غیر قانونی جعفر ابراهیمی و ادامه دادن آن در شرایطی نامشخص و به تعویق انداختن آزادی همه بازداشت شدگان برخلاف وعده های مکرر اعلام شده، نگرانی روز افزون خود نسبت به سلامتی این فعال صنفی را اعلام کرده و این پرسش را فراروی مسوولان قرار داده است: "در حالی که مسوولان حکومتی در گفتارهای شعارگونه خود اعتراض را حق هر شهروند می دانند، عدم تحمل حضور برخی افراد برای همدردی با خانواده های عزادار را چگونه توجیه می کنند؟"



ریزش سقف یک مدرسه بر سر دانش آموزان

عبدالحسین بهرامی راونگی، رییس شورای اسلامی روستای راونگ میناب، گفت که حین بازدید از مدرسه از جیغ دانش



آموزان متوجه شد "بخشهایی از سقف قدیمی مدرسه پورولی راونگ بر سر دانش آموزان فروریخت". به گفته او این حادثه شنبه ۱۴ دی در مدرسه قدیمی که ۴۴ سال عمر دارد رخ داد و باعث ایجاد رعب و وحشت بین دانش آموزان شد.

بهرامی راونگی گفت: "بارها درخواست نوسازی این مدرسه تخریبی به نهادهای مربوطه ارسال شده، اما تاکنون هیچ اقدامی در این خصوص صورت نگرفته است."

فخرالدین هاشمی، مدیرکل نوسازی مدارس استان هرمزگان، اما اصل ماجرا را تکذیب کرد و گفت: "سقف ریزش نکرده، بلکه یک مهتابی که درست نصب نشده، با جایگاهش از سقف پایین آمده و به همراه آن مقداری گچ از سقف جدا شده و ریزش کرده."

او درخواست برای بازسازی و یا نوسازی مدرسه روستای راونگ را هم رد کرد و گفت: "این مدرسه طی دو سال گذشته جزو لیست اولویت دار آموزش و پرورش برای تخریب و بازسازی به ما معرفی نشده است."

قطع حقوق یک فعال معلمان بازنشسته

شورای بازنشستگان ایران اطلاع داد که مسوولان آموزش و پرورش استان مرکزی در ماههای اخیر حقوق ماهیانه آقای محمد گُرد، فعال معیشتی معلمان، را قطع کرده و ایشان و خانواده اش را در شرایط سخت و پر مشقت قرار داده اند. محمد گُرد در نامه ای خطاب به تمام فعالان، دوستان و همکاران مراتب این ظلم و ستم آشکار به خود و خانواده اش را به اطلاع رسانده و خطاب به مسوولان مربوطه اولتیماتوم داده است: "اگر حقوقم تمام و کمال پرداخت نشود، در اداره کاری خواهم کرد که عواقبش دامنگیر تمام شما شود. بدیهی ست که تبعات آن بر عهده کسانی ست که با تصاحب غیر قانونی حقوق مزدبگیران، زندگی و هستی شان را در معرض نابودی و ویرانی قرار می دهند."

شورای بازنشستگان ایران در اطلاعیه خود می گوید: "برخوردهای امنیتی و تصاحب و گروگانگیری حقوق و دستمزد در مقابل فعالیتهای قانونی و حق طلبانه فعالین مزدبگیر را شدیداً محکوم کرده و همه بخشهای مختلف نیروی کار را به مقابله با این حرکت ضد انسانی و مجرمانه، بهر طریق ممکن فرا می خوانیم."

شهردار تهران: وضعیت ایمنی ۸۲۷ مدرسه در تهران "قرمز" است

پیروز حناچی، شهردار تهران در همایش سراسری مدرسه آماده گه در برج میلاد برگزار شد، گفت: "بررسیهای مدیریت بحران از ۲۸۸۸ مدرسه در سطح شهر تهران نشان داده که وضعیت ایمنی ۱۲۳۵ مدرسه در شرایط زرد و ۸۲۷ مدرسه در وضعیت قرمز قرار دارند. بقیه مدارس نیز از نظر مخاطرات در حد آسیب کم هستند." وی افزود: "وضعیت ۸۲۷ مدرسه شهر تهران از نظر ایمنی در شرایط قرمز قرار دارد." حناچی ادامه داد: "دانش آموزان باید مورد یادگیری قرار بگیرند تا این آموزشها به داخل خانه ها نیز راه یابند. همکاری شهرداری با آموزش و پرورش دارای وجوه مختلف است و می توانیم از ظرفیت مدارس برای آموزش و فرهنگ سازی استفاده کنیم."

احضار فعال صنفی به دادگاه برای ششمین بار



اسکندر لطفی، عضو انجمن صنفی معلمان کردستان مریوان و از اعضای شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران، برای ششمین بار پیاپی در چهار ماه اخیر به دادگاه احضار شد. با ابلاغیه ای که دوشنبه ۳۰ دی ماه به دفتر آقای صالح نیکبخت وکیل مدافع ایشان ارسال شده است، او می بایست روز دوشنبه ۷ بهمن در شعبه ۱۰۴ دادگاه جزایی سنندج حاضر شود. در ماههای اخیر این فعال صنفی با اتهاماتی چون "تشویش اذهان عمومی" و "نشر اکاذیب در فضای مجازی" در چند نوبت در دادگاه انقلاب سنندج محاکمه شده است.

آبان ماه ۹۷ نیروهای اطلاعات سپاه با یورش به منزل این معلم کردستانی با تفتیش منزل و ضبط موبایل و کامپیوتر ایشان، وی را برای بازجویی به اطلاعات سنندج بردند. این نهاد امنیتی بعد از مراحل بازجویی، پرونده ای با اتهاماتی چون "اجتماع و تبانی علیه نظام"، "تشویش اذهان عمومی" و "نشر اکاذیب" علیه وی گشود که بعد از مراحل بازپرسی در دادگاه به دادگاه های انقلاب و جزایی سنندج ارجاع شده است.

(منابع: خبرگزاری هرانا، رادیو زمانه، ایلنا، کانون صنفی معلمان ایران، عصر اقتصاد، روزنامه ایران، کانال معلمان عدالتخواه)

کمک مالی به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از طریق PayPal
به آدرس bedostan@gmail.com

رویدادهای هنری ماه (دی ۹۸)

فتح الله کیائیهها

می گوید: به پا گر خلد خاری آسان برآید...

اما از گلوله ها سخن نمی گوید... گلوله هایی که بی پروا کودکان دبستانی را قتل عام کرده است و می کند، از مادری دلسوز که به پرستاری فرزند هم زنجیر خویش می شتابد و قلب مهربانش با شلیک اختیارداران تفنگ به دست، در جا می ترکد.



از زنان، مردان و جوانانی که طی دو روز از صحنه حیات محو می شوند و خانواده های شان مجبورند وثیقه بگذارند تا جسد سردشان را در آغوش گیرند، نمی گوید. خلیدن خار در پایش او را به میهمانی افتخاری ارباب می برد و نمی بیند که مادران داغدار اجازه سوگواری در سوگ جگر گوشه خویش را ندارند و البته این گوشه کوچکی از جنایات "کلنل" محمود خان دولت آبادیست که در چهار چوب جغرافیایی ایران اتفاق افتاده و می افتد.

مادران سوری، عراقی، لبنانی و یمنی پرده های اکران نشده دیگرست از جنایات این خار در پای محمود خان. هنوز کوچه پس کوچه های افغانستان پر از فریاد دادخواهی مادرانیست که فرزندان شان بزور "سردار قاسم سلیمانی" و برای تکه نانی ناگزیر در میادین جنگی ناخواسته و نه دانسته، تکه پاره می شوند؛ عزیزانی که برای کسب و کار به ایران آمده و از همان ابتدای ورود داغ "افغانی" را بر پیشانی می کشند آلمان نازی که یادتان هست، همان آلمان و ستاره ها بر سینه و اردوگاه کار اجباری و کوره های آدم سوزی و اینک، اردوگاه جنگ اسلام سیاسی شیعی و سنی (که هر دو پشت و روی یک سکه اند) و مرگ و مرگ و مرگ، اگر چه در کوره های آتش سوزی نه، که در بمبهای کنار جاده ای و موشکها و پهبادها. محمود دولت آبادی در سوگ "سردار شایسته اش"، کلنلش؛ به سوگ می نشیند و برادرش حسین می گوید: "آن روشنفکری که حقیقت را می داند و پا روی حقیقت می گذارد و آنرا به هر بهانه ای نادیده می گیرد، بی تردید خائن است. آن نویسنده نامدار ایرانی که کشتار هزار و پانصد جوان، مرد و زن ایرانی را نادیده می گیرد و برای جنایتکار، دل می سوزاند و پستان به تنور می چسباند، پیرمرد ابله، بزدل حقیر و خرفتی است که سرپیری از هول و هراس، لجن به سر تا پای خودش می مالد و مجال و فرصت می دهد تا دیگران نیز او را لجن مال کنند."

البته حسین خان درست می گوید در باره برادرش، ولی در مورد پیری و خرفتی ... چه گویم که حسین هم پیری را عیب می انگارد. پیری جرم نیست، ننگ نیست، خرفتی نیست. پیری رهگذار عمر است بر چهره آدمیان. ادبیاتمان نیازمند پالایش است؛ پالایش از تحقیر، پالایش از بسیاری تعارفات و فرمایشات ملوکانه و شیخ مسلکانه. بورژوازی و ارتجاع را باید از ذهن و زبان راند...

محمود را و البته "محمودها را" در سوگ سردارش تنها می گذاریم و به سراغ هنر می رویم، هنر مبارزه با هر چه غیر انسانی است.

ادبیات

زیبیله برگ، جایزه ادبی برشت را تصاحب کرد

داوران جشنواره برتولت برشت مستقر در شهر "آگسبورگ" آلمان جایزه ادبی سال ۲۰۲۰ این بنیاد را به "زیبیله برگ" اهدا کردند.

هیات داوران استدلال کرده است: "زیبیله برگ با قلمی خونسرد و شفاف می نویسد و نگاه ژرف بین و تحلیل بی ابهام او تأثیری عمیق بر خواننده بر جای می گذارد."

جایزه نقدی، به بهای ۱۵ هزار یورو، روز ۱۸ فوریه در آغاز جشنواره برشت در آگسبورگ به خانم برگ تقدیم می شود. برتولت برشت، شاعر کمونیست و درام نویس نامدار آلمان، دهم فوریه ۱۸۹۸ در همین شهر زاده شد.



زیبیله برگ به سال ۱۹۶۲ در وایمار به دنیا آمد و از بیش از ۲۰ سال پیش در زوربخ زندگی می کند. خانم برگ از سالهای ۱۹۹۰ تعداد زیادی رمان، مقاله، نمایشنامه های صحنه ای و رادیویی منتشر کرده است. در آثار او سیمای نویسنده ای ناخرسند و متعهد در برابر نارواییهای زمانه آشکار است. برگ تنها چند روز پیش از این جایزه بزرگ ادبیات سوئیس را از آن خود ساخت.

جایزه برتولت برشت از ۱۹۹۵ تا کنون هر سال به

نویسنده یا شاعری اعطا می شود که در آفرینش ادبی خود با نابرابریها و نارواییهای زمانه برخوردی انتقادی کرده باشد. از زیبیله برگ چندین داستان کوتاه به زبان فارسی ترجمه و منتشر شده است.



انتشار به زبان ترکی ممنوع

دفتر انتشارات "تک درخت"، ناشر کتابهای به زبان ترکی در تهران، توسط ماموران قضایی پلمب شد. این دومین دفتر انتشارات به زبان ترکی است که در این ماه پلمب می شود.

پیشتر نیز دفتر انتشارات "اندیشه نو" در تهران به دلیل "نشر و فروش کتابهای غیرقانونی" پلمب شده بود. این در حالی است که مالکان آن می گویند

تمامی کتابهای منتشر شده توسط این انتشاراتی دارای مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده است.

انتشارات تک درخت به مدیریت احسان شکرخدایی، نویسنده و پژوهشگر، واقع در خیابان جمهوری در تهران است.

به همت "آیندیانا جونز"، حافظ مسروقه پیدا شد

یک کارآگاه هلندی آثار هنری، در جریان یک تحقیقات بین المللی بالاخره نسخه سرقت شده دیوان حافظ را که متعلق به



قرن پانزدهم میلادی است، کشف کرد. این کتاب که صفحاتش طلاکاری شده و ارزش آن حدود یک میلیون یورو تخمین زده می شود، سال ۲۰۰۷ پس از مرگ یک دلال ایرانی آثار عتیقه در آلمان، از کلکسیون او دزدیده شد.

اما "آرتور براند" که به دلیل پیگیری و سرقت آثار هنری و عتیقه به "آیندیانا جونز دنیای هنر" شهرت پیدا کرده، بالاخره توانست این کتاب را در شبکه زیرزمینی آثار

هنری به سرقت رفته پیدا کند. آقای براند که این کتاب را در منزل خود به خبرگزاری فرانسه نشان داد گفت: "پیدا کردن

این کتاب برای من بسیار مهم است، چون کتاب مهمی است."

سرقت این کتاب خطی که قدمت آن به سال ۱۴۶۲ یا ۱۴۶۳ میلادی باز می گردد، به دنبال مرگ جعفر قاضی، دلال ایرانی

کتابهای عتیقه، در سال ۲۰۰۷ در شهر مونیخ آلمان توسط اعضای خانواده او کشف شد.

نقاشی

اثری از گوستاو کلیمت در شکاف دیوار



مقامات ایتالیا تایید کرده اند تابلو نقاشی که ماه گذشته به طور تصادفی کشف شد، تابلویی اصل از "گوستاو کلیمت"، نقاش اتریشی، است. تابلو "پرتره یک بانو" در سال ۱۹۹۷ از یک گالری در شهر "پیاچنزا" در شمال ایتالیا به سرقت رفت. باغبانها در موقع تمیز کردن پیچکهای باغ گالری، تابلو را که در یکی از دیوارهای باغ جاسازی شده بود، پیدا کردند.

این که چرا این تابلوی با ارزش را در دیواری در گالری هنرهای مدرن "ریچی اودی" پنهان کرده بودند، هنوز مشخص نیست. "اورنیلا چیکا"، دادستان، اصل بودن این تابلو را تایید کرده است. او همچنین گفته که آزمایشهای بیشتر نشان خواهد که آیا این تابلو نقاشی از زمان سرقت در داخل این دیوار بوده یا این که بعداً در آن محل جاسازی شده است.

سینما/ نمایش

در سوگ پرواز و انصراف هنرمندان از جشنواره ی فجر

شماری از هنرمندان ایرانی به جمع معترضانی پیوسته اند، که پس از اقرار سپاه پاسداران به هدف گرفتن هواپیمای اوکراینی از شرکت در جشنواره فجر کناره گیری کرده و بدینوسیله حمایت و همدلی و همدردی خود با خانواده قربانیان پرواز بی بازگشت را نشان دادند.

در گزارشات منتشر شده در این باره، اسامی این هنرمندان به چشم می خورد: علیرضا قربانی، ناصر تقوایی، محمد رسول اف، مسعود کیمیایی، همایون شجریان، رخشان بنی اعتماد، احمد امیر قزوینی، کیوان ساکت، جعفر پناهی، رضا درمیشیان و هدیه تهرانی.

بر اساس همین گزارشات، تهیه کنندگان و کارگردانان فیلم "کامی" و نمایش "مشق شب" نیز از حضور در جشنواره فجر انصراف داده و به جمع معترضان پیوستند.

رقابت "ایرلندی" و "جوکر"، از زمره نفس گیرترینهای اسکار

نامزدهای جوایز سینمایی اسکار اعلام شدند. فیلم "جوکر" با فیلمهایی چون "۱۹۱۷"، "روزی روزگاری در هالیوود" و "مرد ایرلندی" به رقابت می پردازد. فیلم "انگل" کره شمالی در شاخه "بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان" دو بار نامزد شده است.



فیلم درام "جوکر" به کارگردانی "تاد فیلپس" در ۱۱ رشته، فیلم درام جنگی "۱۹۱۷" اثر "سم مندس"، کمدی "روزی روزگاری در هالیوود"، ساخته "کوئنتین تارانتینو" و فیلم گانگستری "مرد ایرلندی" به کارگردانی "مارتین اسکورسیزی"، هر کدام در ۱۰ شاخه نامزد کسب اسکار هستند.

"جوکر" بر اساس داستانی مصور ساخته شده و یکی از پرفروشترین فیلمهای سال گذشته میلادی بود.

گفته می شود که "مرد ایرلندی" با بودجه ای حدود ۲۰۰ میلیون دلار پرهزینه ترین فیلم این دوره است.

"انگل"، شاهکار کره ای، در بخش فیلمهای غیرانگلیسی زبان با فیلمهای بینوایان (محصول فرانسه)، درد و شکوه (اسپانیا)، سرزمین عسل (مقدونیه شمالی) و کورپس کریستی (لهستان) رقابت می کند.

علاوه بر فیلم "انگل"، "اسکارلت یوهانسن" هم دو بار نامزد دریافت اسکار شده است؛ در شاخه "بهترین بازیگر نقش اول زن" در فیلم "داستان ازدواج" و "بهترین بازیگر نقش مکمل زن" در فیلم "جوجو ریبت". همانند جوایز "گلدن گلوب" ۲۰۱۹ که "پیش پرده" اسکار به شمار می رود، در محبوب ترین رقابتهای سینمایی جهان هم جای خالی کارگردانان زن خالی است.

گزارش هنری: اپرا کمدی "دون پاسکال"

اپرای دون پاسکال اثر "دونیتی"، کمدی پرماجرایی است سرشار از عشق و شیدایی که هویت شخصیتها در آن بارها عوض می شود. این اپرا اکنون با حضور "ژولی فوش" و "جوهانس مارتین کرانزل" در نقشهای اصلی به اپراخانه زوریخ بازگشته است.

جوهانس مارتین، بازیگر نقش دون پاسکال، می گوید: "همه نسخه های این اپرا شبیه هم اند، و معمولا دون پاسکال فلک زده را می بینیم که با کیسه آب گرمش روی صحنه این طرف و آن طرف می رود. اما ما می خواستیم کارمان متفاوت باشد."

"کریستف لوی"، کارگردان این اجرا، نیز تلاش کرده تا به جای تکیه بر تیپ سازیهای معمول، پیچیدگی کاراکترهای این اثر را نشان دهد.

او در این باره می گوید: "صحنه های این نمایش یادآور خداحافظی با زندگی و همزمان کشف شادیهای آن است؛ بنابراین هدف من هم در اجرای این اپرا ایجاد توازنی بود میان این دو نکته."

ژولی فوش که به خوبی از پس اجرای نقش نورینای جوان و ناقل بر می آید می گوید: "اجرای نقش نورینا لذت بخش است، چون او بامزه است و به خصوص در این اجرا کلی شوخی تلخ دارد."

او می افزاید: "او با اجرای یکی از قطعات اصلی کار به نوعی می گوید که خوب بلد است با مردها چطور تا کند، یعنی می داند که چه وقت رو بگرداند و کی نم اشکی بریزد، یا آهی بکشد و غمزه ای بکند."

کریستف لوی هم می گوید که می خواسته نورینا را زنی نشان بدهد که از خلال آشنایی با دون پاسکال چیزی را در خودش کشف می کند، چیزی شبیه وجدان اخلاقی. و می افزاید: "تماشای اپرای دون پاسکال بیش از هر چیز به ما یادآوری می کند که قلبی گشوده داشتن و عاشق شدن یعنی چه."

وقتی دونیتی این اپرا را در سال ۱۸۴۲ تصنیف کرد، زمانی بود که علائم بیماری سختش دیگر آشکار شده بود.

نشر الکترونیکی

رفع فیلتر از دانشنامه ویکی پدیا در ترکیه

ترکیه براساس حکم دادگاه قانون اساسی این کشور، دانشنامه آنلاین ویکی پدیا را پس از گذشت نزدیک به سه سال رفع فیلتر کرد. رسانه های ترکیه روز چهارشنبه ۲۵ دی ماه گزارش دادند که سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات ترکیه در پی صدور حکمی رسمی از سوی دادگاه قانون اساسی و دادگاه صلح کیفری شماره یک آنکارا، دانشنامه آنلاین ویکی پدیا را در کشور رفع فیلتر کرده است.

پیشتر دیوان قانون اساسی ترکیه، عالی ترین دادگاه این کشور، به نفع ویکی پدیا رای داده و اعلام کرده بود که ممنوعیت دولت ترکیه بر این دانشنامه آنلاین، "نقض آزادی بیان" است. ترکیه در آوریل ۲۰۱۷ دسترسی به دانشنامه اینترنتی ویکی پدیا را مسدود کرد و آن را جزئی از کارزار تخریب وجهه آن کشور توصیف کرد.

این اقدام پس از آن صورت گرفت که ویکی پدیا از حذف یک مقاله که گفته می شود در آن نوشته شده بود ترکیه از گروه "دولت اسلامی" یا داعش و دیگر سازمانهای تروریستی حمایت کرده است، خودداری کرده بود.

زنان در مسیر رهایی (دی ۹۸)

اسد طاهری

بیش از ۶۰ درصد دختران افغانستانی قبل از پانزده سالگی ترک تحصیل می کنند

نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال افغانستان در یک نظرسنجی تازه می گوید که ۶۳ درصد دختران بین سنین ۱۳ تا ۱۵ سالگی ترک تحصیل می کنند.



مسوولان به نقل از ۶۳ درصد والدین گفته اند، ۵۹ درصد دختران از کلاس هفتم و در سن ۱۳ تا ۱۵ سالگی مدرسه را ترک می کنند و ۲۶ درصد نیز بعد از این سن ترک تحصیل می کنند.

بیشترین علت ترک تحصیل این حجم انبوه دختران، جنگ و ناامنی با ۴۸ درصد عنوان می شود. در رده های بعدی آواره شدن خانواده ها و فقر با ۳۱ درصد و شرایط ناهنجار اجتماعی و خانوادگی مانند نبود آموزگار زن، خشونت های خانوادگی، فاصله زیاد تا مدرسه و آزارهای خیابانی با ۲۱ درصد قرار دارد.

اولین مدال آور زن المپیک ایران به تبعید رفت

کیمیا علیزاده، نخستین مدال آور زن ایران در بازیهای المپیک، با انتشار مطلبی انتقادی از تصمیم خود برای ادامه حرفه ورزشی در خارج از کشور خبر داد.



او در بیانیه ای تند و بی پروا، ضمن انتقادات تند از مسوولان فاسد جمهوری اسلامی، نوشت: "من کیمیا علیزاده، نه قهرمانم، نه تاریخ ساز و نه پرچمدار کاروان ایران. من یکی از میلیونها زن سرکوب شده در ایرانم. سالها هر چه گفتند، اجرا کردم و مدالهایم را پای حجاب اجباری و درایت خودشان گذاشتند."

او خطاب به یک ورزشکار حکومتی به نام هادی ساعی که سابقه عضویت در شورای شهر تهران را نیز دارد و در رسانه

سپاه پاسداران موسوم به "فارس" درس "عزت ایران" و "ذلت پناهندگی" داده بود گفت: "آقای ساعی! من آدمم تا مثل شما نباشم و در مسیری که شما پیش رفتید قدم بردارم. من در صورت تقلید بخشی از رفتارهای شما، بیش از شما می توانستم به ثروت و قدرت برسم. من به اینها پشت کردم. من یک انسانم و می خواهم بر مدار انسانیت باقی بمانم. نمی خواستم مانند شما زن ستیزها بنده قدرت باشم."

او ادامه می دهد: "نه من و نه هیچ یک از ما برایشان مهم نیستیم و فقط ابزاریم. فقط مدالهای فلزی مهم است تا به وسیله آنها از ما بهره برداری سیاسی کنند. از سویی برای تحقیر ما می گویند فضیلت زن نیست که پاهایش را دراز کند. من نمی خواهم تن به ذلت دهم. آقای ساعی، نمی خواهم مثل شما باشم."

او نوشت: "مردم نازنین و داغدار ایران! من نمی خواستم از پله های ترقی که بر پایه فساد و دروغ بنا شده بالا بروم. کسی به اروپا دعوتم نکرده و در باغ سبز به رویم باز نشده، اما رنج و سختی غربت را به جان می خرم چون نمی خواستم پای سفره ریاکاری، دروغ، بی عدالتی و چاپلوسی بنشینم. این تصمیم از کسب طلای المپیک هم سخت تر است، اما هر کجا باشم فرزند ایران زمین باقی می مانم. پشت به دلگرمی شما می دهم و جز اعتماد شما در راه سختی که قدم گذاشته ام، خواسته دیگری ندارم."

کیمیا عزیزاده علاوه بر اینکه نخستین زن ایرانی است که در بازیهای المپیک موفق به کسب مدال شده، نخستین مدال تکواندو زنان ایران را نیز در مسابقات قهرمانی جهان در سال ۲۰۱۵ کسب کرد و پیش از آن نیز نخستین مدال دختران در قهرمانی نوجوانان جهان در سال ۲۰۱۴ را به دست آورد. او در سال ۲۰۱۷ نیز با حضور در فینال رقابتهای تکواندو قهرمانی جهان مدال نقره گرفت.

نافرمانی مدنی شطرنج باز تیم ملی در اعتراض به حجاب اجباری



میترا حجازی پور در مسابقات جهانی سریع و برق آسای جهان در مسکو، بدون حجاب به رقابت با حریفانش پرداخت.

این نخستین بار است که یک ورزشکار زن ملی پوش در اعتراض به رعایت حجاب اجباری دست به نافرمانی مدنی در حین برگزاری رقابتهای جهانی می زند. پایوران و رسانه های حکومتی ضمن حمله به میترا حجازی پور، حرکت مدنی وی را "هنجارشکن و نامتعارف" خواندند.

در همین حال ساعاتی پس از انتشار تصاویر بی حجاب میترا حجازی پور در مسابقات جهانی مسکو، رییس فدراسیون شطرنج جمهوری اسلامی اعلام کرد که این ورزشکار "دیگر جایی در تیم ملی نخواهد داشت". او پس از ۱۸ سال افتخار آفرینی، از تیم ملی ایران اخراج می شود.

میترا حجازی پور قهرمان شطرنج آسیا است و عنوان استاد بزرگ زنان را در سال ۲۰۱۵ به دست آورده. او از رده خردسالان تا بزرگسالان دارای مجموعه ای از افتخارات جهانی و قاره ای است که از آن جمله می تواند به دو بار نایب قهرمانی نونهالان جهان، نشان نقره ۲۰۱۰ جوانان جهان و قهرمانی بزرگسالان آسیا در سال ۲۰۱۵ اشاره کرد.

زنان کارگر در هند به خیابان می آیند



هزاران کارگر زن در کلان شهر "بنگلور" هند در اعتراض به دریافت نکردن دستمزدهای معوقه خود دست به تظاهرات زدند.

کارگران معترض با در دست داشتن پلاکارد و پرچمهای سرخ و همچنین سردادن شعار، خواستار دریافت کلیه معوقات مزدی خود شدند. این کارگران در بخش خدمات بهداشتی کار می کنند و اکنون ۱۵ ماه است که دستمزد آنها پرداخت نشده است. معترضان اعلام کرده اند در صورت بی توجهی دولت به خواسته های شان، دست به اعتصاب نامحدود خواهند زد.

سالروز تولد سیمون دوبوار

۹ ژانویه ۱۹۰۸ (۱۸ دی ۱۲۸۶) سیمون دوبوار، فیلسوف فمینیست در پاریس چشم به جهان گشود. کتاب "جنس دوم" او که در سال ۱۹۴۹ منتشر شد، انقلابی در مبارزات زنان برای برابری حقوقی به وجود آورد. این نقل قول معروف از این کتاب است: "یک انسان زن زاده نمی شود، بلکه تبدیل به زن می شود." سیمون دوبوار دو گام را برای برابری زنان ضروری می دانست: کار در بیرون خانه و خودداری از ازدواج. استدلال او برای کار در بیرون خانه، اول به دست آوردن استقلال مالی و بعد، تثبیت هویت اجتماعی و خارج از چار دیواری خانه برای زنان

است. این نظریه پرداز معتقد است اولین قدم برای به دست آوردن برابری، همین دو پله است. به نظر او "رهایی" اولین قدم برای رسیدن به آزادی است؛ رهایی مالی با کار کردن زن و رهایی از بند خانه با بیرون رفتن او از خانه امکان پذیر می شود.



ریزبینی دوبرار در کلیدی دیدن این دو قید برای زنان با نگاهی به قوانین اجرا شده اسلامی در ایران بهتر نمایان می شود؛ بیرون رفتن زن از خانه و کار کردن او جزو اولین اختیاراتی است که در قوانین اسلامی از او سلب می شود. مطابق این قوانین، زن برای هر دوی این کارها نیاز به اجازه پدر و پس از ازدواج، شوهر دارد.

او توضیح می داد: "به خوبی می دانم که کار در جامعه امروزی نه تنها رهایی بخش نیست، بلکه انسان را با خود بیگانه می کند. اما در نهایت زنان باید میان یکی از این دو نوع از خودبیگانگی انتخاب کنند: خانه داری یا اشتغال بیرون از خانه! با وجود این، کار درآمدزا نخستین شرط استقلال زن است."

زندانی شدن مادر یکی از شهدای ۸۸ به اتهام پیگیری قاتلان

شهناز اکملی، مادر مصطفی کریم بیگی، از شهدای اعتراضهای سال ۱۳۸۸، به زندان برده شد. دستگاه قضایی جمهوری اسلامی خانم اکملی را به اتهام پیگیری قتل فرزندش و به منظور خاموش کردن صدای دادخواهی او به یک سال زندان محکوم کرده است.



شهناز اکملی روز چهارشنبه ۲۵ دی ماه روی صفحه تویتر خود و در آستانه مراجعه به زندان نوشت: "عکس پسر من را با خودم می برم زندان، چون می دانم قوت قلب من است. من یک مادرم که جرمم دادخواهی و تکرار یک پرسش ساده است که هیچگاه پاسخ نگرفتم: چه کسی پسر من را کشت؟" پیشتر

مریم کریم بیگی، دختر خانم اکملی، از حمله ماموران امنیتی به منزل مادرش و تلاش آنها برای شکستن در آن جهت تفتیش منزل خبر داده بود.

این مادر شهید در بخش دیگری از توییت چهارشنبه خود نوشته است: "ممنونم از همه مردمی که کنار من و خانواده ام بودید و هستید. ما خویشاوندان هم هستیم و به جز یکدیگر پناهی نداریم. به امید روزهای خوب." شهناز اکملی زیر عنوان "تبلیغ علیه نظام" محاکمه و حکم او بدون تشکیل دادگاه تجدیدنظر و شنیدن آخرین دفاعیات تایید شده بود.

مصطفی کریم بیگی روز ششم دی ماه سال ۱۳۸۸ در اعتراضهای موسوم به "روز عاشورا" با شلیک مستقیم نیروهای امنیتی به قتل رسید.

افغانستان؛ جلوگیری از ورود خبرنگاران زن به نشست خبری

مولوی مجیب الرحمان انصاری، امام مسجد جامع گازرگاه ولایت هرات، مانع از ورود خبرنگاران زن به نشست خبری خود شد.

این مقام مذهبی در این نشست که روز پنجشنبه ۲۶ نشست خبری برگزار کرد، از ایجاد نهادی موسوم به "امر به معروف و نهی از منکر و تبلیغات" این اداره دفاع کرد. او شرکت خبرنگاران زن در نشست خبری خود را ممنوع کرده بود.

او در پاسخی به سوالی در این مورد گفت: "من نمی خواهم خواهران ملعبه قرار بگیرند. زنان جایگاه، ارزش و منزلت دارند. اگر اسلام می گوید زنان در خانه خود بنشینند، این تحقیر نیست. این عزت زن است. وقتی نفقه را مرد می دهد، عزت زن است. وقتی می گوید با حجاب بیرون برو، عزت زن است. ما گفتیم خواهران نیابند و تشریف نیاورند و همان کارهایی که مختص شان است و دین تعیین کرده، انجام دهند."

او افزود: "اسلام به زنان اجازه نمی دهد که در بین مردان و در کنار مردان حاضر شده و کار کنند."

در این رابطه عاطفه غفوری، هماینگ کننده زنان خبرنگار در غرب افغانستان در کمیته مصونیت خبرنگاران افغان گفت: "راه ندادن زنان به کنفرانس خبری تحت



نام اسلام، تلاشی ناکام برای خفه کردن صدای زنان و بازگرداندن دوران سیاه طالبانی است." وی اضافه کرد: "ما از اعمال محدودیت برای کار خبرنگاران، به خصوص زنان خبرنگار نگرانیم و از حکومت می خواهیم جلو تکرار چنین تخطیهایی را بگیرد."

سرور دانش، معاون دوم ریاست جمهوری افغانستان، نیز از راه ندادن خبرنگاران زن به نشست خبری این روحانی و خطیب مسجد انتقاد کرد و گفت که این کار نقض قانون اساسی، قانون رسانه ها و قانون دسترسی به اطلاعات است.

چهارمین "رژه زنان" علیه ترامپ در شهرهای آمریکا



هزاران زن در واشنگتن، شیکاگو، نیویورک، سن دیه گو، لس آنجلس و آنکوريج علیه سیاستهای جنسیتی، اقلیمی، مهاجرتی و سیاست خانواده دولت ترامپ تظاهرات کردند. این آیین سالانه، از ژانویه ۲۰۱۷ و با ورود ترامپ به کاخ سفید شکل گرفت. در آن زمان بیش از نیم میلیون نفر در واشنگتن به خیابانها آمدند و بیش از هر چیز، علیه مواضع زن ستیزانه و اظهارات جنسیتی ترامپ شعار دادند.

تظاهرات امسال با مطالبات اقلیمی، حقوق مهاجران و حقوق فردی در حوزه جنسیت و خانواده همراه بود و تظاهر کنندگان با پلاکاردها و شعارهای خود، اظهارات و مواضع دونالد ترامپ را به چالش می کشیدند. روی یکی از بزرگترین بنرها، خواست دستگیری رییس جمهور به چشم می خورد.

پس از متهم شدن برخی از سازماندهندگان رژه های قبلی به گرایشهای یهودی ستیزانه، برگزاری تجمعات سال ۲۰۲۰ را گروههای جدیدی بر عهده داشتند. اتحادیه موسوم به "صندوق طرحهای خانواده"، "گرین پیس" آمریکا و "اتحادیه حفاظت اقلیم" موسوم به ۳۵۰ Org و "جامعه فرهنگی دانشجویی لاتینی تباران" (Mijente) از جمله آنها بودند. این بار و به خلاف گذشته، کسی از چهره های صاحب نام در واشنگتن سخنرانی نکرد و دینامیسم تظاهرات بر عهده شرکت کنندگان بود.

همزمان با برگزاری "مارش زنان"، مقامهای آرشیو ملی آمریکا در واشنگتن از اشتباه صورت گرفته در تازه ترین نمایشگاه مربوط به حقوق زنان عذرخواهی کردند. موضوع به دستکاری در یکی از عکسهای تظاهرات سال ۲۰۱۷ برمی گردد که نام ترامپ در پلاکارد اعتراضی قابل رویت نیست. مسوولان آرشیو با اظهار تاسف از این امر گفته اند که عکس واقعی را جایگزین نسخه دستکاری شده کرده اند.

ارزش کار بدون مزد زنان ۲۴ برابر بیشتر از مجموع درآمد اپل، فیس بوک و گوگل

بر پایه تحقیقات "آکسفام" که همزمان با آغاز مجمع جهانی اقتصاد در داووس سوییس منتشر شده، در حال حاضر ثروت میلیاردرهای جهان بیش از مجموع دارایی ۶/۴ میلیارد انسان روی زمین است. ۲۱۵۳ میلیارد در جهان به تنهایی ثروتی بیش از ۶۰ درصد ثروت کل جمعیت جهان را در اختیار دارند.



براساس گزارش آکسفام سخن از بحران نابرابری است؛ بحرانی که بزرگترین بازندگان آن زنان هستند.

"الن امکه" از آکسفام در آلمان می گوید: "درآمد زنان به طور میانگین کمتر است، دارایی کمتری در اختیار دارند و [نسبت به مردان] بیشتر در معرض خطر فقر هستند."

او دلیل اصلی این نابرابری را این مساله

می داند که زنان بیشتر در فعالیتهایی که در ازای آن پرداختی به آنها تعلق نمی گیرد کار می کنند؛ کارهایی مانند نگهداری و مراقبت از بستگان و کودکان.

۱۲ میلیارد ساعت کاری بدون دریافت حقوق روزانه به نام زنان و دختران در سراسر جهان ثبت می شود. به گفته امکه، اگر زنان برای این کار و این ساعتها حتی تنها حداقل دستمزد را دریافت کنند، پای درآمدی سالانه به ارزش ۱۱ بلیون دلار در میان است. آکسفام ۱۱ بلیون دلار پرداخت نشده را در کنار درآمد غولهای تکنولوژی مانند اپل، فیس بوک و گوگل قرار می دهد و می نویسد: "این مبلغ ۲۴ برابر بیشتر از درآمد این کنسرنهاست."

(منابع: بی بی سی، دویچه وله، ایران اینترنشنال، اینستاگرام، پیام، رادیو فردا)

کانال تلگرام رادیو پیشگام

@radiopishgam

<https://telegram.me/radiopishgam>

فروغ فرخزاد: صدای ماندگار

به بهانه سالمرگ او (تولد ۸ دی ۱۳۱۳، درگذشت ۲۴ بهمن ۱۳۴۵)

م. وحیدی



کسی می آید
کسی دیگر
کسی بهتر
کسی که مثل هیچکس نیست
در نفسش با ماست
در صدایش با ماست
کسی که آمدنش را
نمی شود گرفت...

دفتر زندگی کوتاه اما پربار و ارزشمند فروغ فرخزاد در سی و دو سالگی بسته شد. او در آغاز راه بود که مرگ متوقفش کرد و هم چنان پس از نیم قرن بدون جایگزین باقی مانده است. فروغ جلوتر از زمانه خود و فرصتی در شعرنو بود؛ شاعری دردمند و با اصالت، جستجوگر، سنت شکن، جسور و زنی آزادیخواه بود که شعر پارسی را به کمال رساند و مَهر اصالت بر شعر نو زد. «کسی که مثل هیچکس نبود» و می خواست همه چیز را انسانی کند. شاعرترین زن که شعرش زندگی اش بود و زندگی اش شعرش.

اطلاعات
شنبه ۲۵ بهمن ماه ۱۳۴۵... شماره ۱۲۲۰۷
... سال چهل و یکم... تک شماره ۴ ریال

طی یک حادثه وحشتناک رانندگی درجاده دروس - فلپک

فروغ فرخزاد
شاعره معروف کشته شد

جیب استیمن فروغ فرخزاد با یک اتومبیل نورلت تصادف کرد و فروغ جانبا درگذشت

هنرمندان و هنردوستان
برای تسبیح جنازه فروغ
دعوت عام کردند

جنازه فروغ ساعت ۱۰ صبح
بردا از پزشکی قانونی با
مغیره طهیر الموله تسبیح
خواهند شد

نخست وزیر دستور داد برای
تسبیح جنازه و دفن فروغ
تسهیلات لازم فراهم شود

دوستان فروغ آثار چاپ
شده او را در مجامعهای
انتشار خواهند داد

تلویزیون ایران بهنامیت
هرك فروغ بر نامه مخصوصی
اجرا خواهد کرد

تصادف کرد و جنازه را در جاده دروس پرتاب شد

هرگز نهراسید و با گامهای محکم به نبرد با «سیاهی» رفت و به «چراغ و آب و آینه پیوست». «سخن از روز» و «پنجره های باز» و «تولد و تکامل» و «دستان عاشق» گفت و «پلی از پیغام و عطر و نور و نسیم» بر «فراز شبها» ساخت، «فاتح شد» و خود را در شعر ایران و جهان «به ثبت رساند».

دردل واژه های اغلب اشعار او حرکت و زندگی موج می زند: «چرا توقف کنم؟»، «من از سلاله درختانم». «دستهایم را در باغچه می کارم | سبزخواهم شد | می دانم، می دانم، می دانم».

شعر برای او وسیله ای بود جهت فریاد زدن و رسیدن به «آزادی» و به قول خودش: «مسوولیتی بود که در مقابل وجود خود احساس می کرد» و در این مسیر «شاعر بودن» را مساوی «انسان بودن» می دانست: «بعضیها را می شناسم که رفتار روزانه شان هیچ ربطی به شعرشان ندارد. یعنی وقتی شعر می گویند شاعر هستند، بعد تمام می شوند؛ دو مرتبه می شوند یک آدم

حریص شکمو ظالم تنگ فکر بدبخت حسود فقیر. خب من حرفهای این آدمها را قبول ندارم. کسی که کار هنری می کند، باید اول خودش را بسازد».

شعر فروغ بازتاب رنج و فریاد زن ایرانی ست. او در نامه ای می نویسد: «آرزوی من آزادی زنان ایران و تساوی حقوق آنها بامردان است. من به رنجهایی که خواهرانم در این مملکت در اثر بی عدالتی مردان می برند، کاملاً واقف هستم و نیمی از هنرم را برای تجسم دردها و آلام آنها بکار می برم».

او زنجیرهایی که بر دست و پای زنان بسته شده است را حس می کند: «من می خواستم بگویم یک "زن" یعنی یک "بشر" هستیم. می خواستم بگویم که من هم حق نفس کشیدن و حق فریاد زدن دارم».

فروغ «اسیر» ی بود که در حصار خانواده و سنت و «دیوار» های جامعه و تاریخ دست و پا می زد و عاقبت سر به «عصیان» و شورش برداشت و به «تولد دیگری» رسید و با جامعه و هستی پیوند خورد. «تولد دیگری» هم برای فروغ و هم برای شعر پارسی به راستی «تولد دیگری» بود.

اگرچه برخی از کارهای او به صورت شعار و بیان کلی درآمد و درسرازی نثر موزون می افتد، اما هنرش در این است که آن ها را در قالب عواطف زنانه ریخته است.

دکتر «پرویز خانلری» در این مورد می گوید: «ارزش کار فروغ در بیان احساسات خودش است؛ احساسات زنانه خودش. در گذشته وقتی دیوان شعر زنان را می خواندید، هیچ نمی توانستید بفهمید که واقعاً زنی سروده است؛ معانی و مضامین آن اشعار همانها بود که مردان می سرودند و می گفتند. در ادبیات سایر کشورها هم، این نظایر خیلی زیادی ندارد؛ به خاطر همین برای بسیاری حیرت آفرین و برای برخی تحمل ناپذیر شد».

وسعت اندیشه، نوجویی، جسارت و خلاقیت از ویژگیهای فروغ بود. در این راستا «سیمین دانشور» معتقد بود: «اگر مرگ به او مهلت می داد، با خلاقیت و توانایی که داشت، می توانست تغییرات و تحولاتی در فرم شعر پارسی و اوزان نیمایی ایجاد کند».

فروغ، جامعه ایران بعد از کودتای سیاه ۲۸ مرداد را زندان می دید:

«آنگاه که خورشید سرد شد

و برکت از زمینها رفت

سبزه ها به صحراها خشکیدند

و ماهیان به دریاها خشکیدند

و خاک مردگانش را

زان پس به خود نپذیرفت»

زندان ایی که تلاش کرد نماد عصیان و: «آخرین صدای صداها» باشد و «نقبی به سوی نور زند».

زنده یاد «محمد مختاری» در جایی نوشت: «کارهای فروغ هم از گرایش و اندیشه «شکست» دهه سی نشان دارد، هم نمودهایی آغازین از گرایش شعر «حماسی» دهه پنجاه و هم حرکت رو به عمق و گسترش یابنده شعر دهه چهل در او دیده می شود».

فروغ با اشاره به «انقلاب سفید» شاه و چراغانی خیابانها می سراید:

«ستاره های مقوایی عزیز!

وقتی در آسمان دروغ وزیدن می گیرد

ما مثل مرده های هزاران ساله

به هم می رسیم»

او هیچ کجا متوقف نمی شود و با حرکتی که در زیر پوست جامعه جریان دارد، جریان می یابد. دکتر «شفیعی کدکنی» او را «از پیشگامان و مبشران جنگ چریکی» می نامد:

«بچه های مدرسه
کیفهاشان را
از بمب دستی پر کرده اند»
و:
«حیات خانه ما تنهاست
حیات خانه ما تنهاست
در کوچه صدای خمپاره می آید
تمام روز از پشت در
صدای تکه تکه شدن می آید
و منفجر شدن
همسایه های ما
درحیات باغچه شان به جای گل
خمپاره و مسلسل می کارند»

فروغ علاوه برشعر، در نقاشی، تاتر و سینما نیز دست داشت. مستند برجسته «خانه سیاه است» باهمکاری ابراهیم گلستان به عنوان ده فیلم کوتاه دکومانتر جایزه «اوبرهاوزن» را به خود اختصاص داد.

و عاقبت «رفت تا لب هیچ
و پشت حوصله نورها دراز کشید
و هیچ فکر نکرد
که ما

میان پریشانی تلفظ درها
برای خوردن یک سیب
چقدر تنها ماندیم».

نام و خاطره اش جاودانه باد!
دی ۹۸

کانال تلگرام نبرد خلق
@nabard_khalqh
https://telegram.me/nabard_khalqh

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

کمک مالی به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از طریق **PayPal**
به آدرس **bedostan@gmail.com**

بر بال خاطره ها

روزها
 گم شده اند و
 خیابان خالیست
 صبح
 چه کوتاه بود
 باپیغام بادهای رهگذر
 و الفباهای فرسوده
 بر لبان جهان
 ما ازهم دور ماندیم
 ما تنها ماندیم
 و ستاره
 در ضخامت تاریکی
 به خون نشست
 قصه ها
 طعم باران گرفتند
 و تیترو روزنامه ها
 در گهواره خون
 نام پیامبران را
 به دشمنی
 یاد کردند
 کاش
 ای کاش!
 باد سحرگاهی
 آینه خاک گرفته ام را
 صیقل می داد
 تا درختان
 که ایستادگی زمینند
 در تصویر پنجره ام
 بهار می کرد
 آنک
 در خنده شکوفه ها
 مرا ببین!
 در جوانه های نو رس
 و خوشه ارغوانهایی
 که سالهاست
 در درگاه حیاط خانه ام
 به انتظار نشسته اند

کارورزان سلامت (دی ۹۸)

روز پرستار: در جهان یک روز ثابت، در ایران متغیر

روز جهانی پرستاران به منظور قدردانی از تلاش انسانی این بخش از جامعه، ۱۲ ماهه تعیین شده و در سراسر جهان



گرامی داشته می شود. ۱۲ مه زاد روز فلورانس نایتینگل، پرستار انگلیسی و بنیانگذار حرفه پرستاری مدرن است. اما در ایران روز پرستار، روز تولد حضرت زینب به تاریخ قمری است که هرساله تغییر می کند.

امسال این روز مصادف بود با روز پنجشنبه ۱۲ دی و به همین مناسبت همایشی در برج میلاد تهران برگزار شد که در آن سعید نمکی، وزیر بهداشت سخنرانی کرد.

وی مزورانه با عنوان این مطلب که شرمنده پرستاران هشتمین، گفت: در بازدیدهای استانی، با این موضوع مواجه می شدم که معوقات پرستاری بیش از یک سال و نیم پرداخت نشده است که تصمیم گرفتیم اصلاحاتی در این وضعیت ایجاد کنیم. نمکی با تاکید بر پیگیری مطالبات معوق پرستاری، افزود: تلاش می کنیم بعد از این معوقات پرستاری بیش از سه ماه نشود. این حرف وزیر رژیم به این معنی است که پرستاران همواره باید درد و رنج معوقات مزدی را تحمل کنند. در رابطه با روز پرستار حکومتی، معاون استانداری لرستان با تاکید به اینکه عظمت شغل پرستاری به خوبی قابل بیان نیست گفت: تنها کسانی که تجربه تحمل فشارهای روحی و روانی یک پرستار را دارند، می توانند در مورد شغل پرستاری صحبت کنند.

بنا به گزارش خبرگزاری دولتی که حرفهای این کارگزار نظام را پوشش داده، سه هزار و ۳۰۰ نفر پرستار در بیمارستانهای استان لرستان در حال خدمت به بیماران هستند.

در رویدادی دیگر به همین مناسبت، رییس دانشگاه علوم پزشکی بهشتی گفت: اقداماتی که تاکنون از لحاظ امکانات حرفه ای، اجتماعی، اقتصادی و معیشتی برای گروههای پرستاری انجام شده، به هیچ وجه در شأن و استحقاق این گروه نبوده و شاهد کم کاری در سالهای متمادی برای استیفای حقوق این همکاران بوده ایم. به همین دلیل حجم زیادی از مطالبات فروخته و پاسخ داده نشده آنها در هم متراکم شده است.

بیانیه نظام پرستاری شرق گیلان در آستانه روز پرستار

نظام پرستاری شرق گیلان طی بیانیه ای در آستانه روز پرستار به مهم ترین مطالبات پرستاران پرداخته و خواستار اجرای کامل قانون تعرفه گذاری نظام پرستاری شد. این بیانیه؛ عدم اجرای قانون تعرفه گذاری نظام پرستاری بعد از ۱۳ سال را مهم ترین مشکل پرستاران اعلام کرده است. در بخشی از این بیانیه آمده است: این عدم اجرا در حالی صورت می گیرد که از تصویب این قانون بیش از ۱۳ سال می گذرد و در طول تمامی این سالها بهانه های واهی و نامشخص سبب عدم اجرای قانون فوق شده است. قانونی که اجرای آن در میان تمامی تبعیضها، به خصوص نظام پرداخت کنونی و همین طور فشار کاری و مطالبات بر زمین مانده متعدد از سالهای گذشته، تنها روزنه امید پرستاران کشور برای باز شدن دریچه ای به سوی روزهای روشن است.

پرستارانی که فقط ۴۸۰ هزار تومان درآمد دارند!

دبیر اجرایی خانه حکومتی کارگر در آمل، از وجود پرستارانی در بابل خبر می دهد که تحت عنوان طرح هشتاد و نه روزه، و نه حتی نود روزه، مشغول کار هستند. در این شهر پرستارانی هستند که فقط ماهی ۴۸۰ هزار تومان درآمد دارند! در سالهای گذشته با رواج پارادایم «بی ثبات کاری» در زیرمجموعه های دولت، انواع و اقسام قراردادهای شغلی به وجود آمده است و به تدریج، فاصله و تمایز میان نیروی کار رسمی و نیروی کار غیررسمی، موقتی یا پیمانکاری، افزایش یافته است؛ این در حالیست که براساس تصریحات قانون کار و مقوله نامه های بنیادین سازمان بین المللی کار، رعایت الزام «کار یکسان - مزد یکسان» چون و چرا بردار نیست و دولتها ملزم به اجرای این الزام هستند.

اعتراض پرستاران به عدم اجرای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری

برخی از پرستاران با عدم شرکت در مراسم روز پرستار اعتراض شان را نسبت به عدم اجرای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری پس از ۱۳ سال از تصویب اش نشان دادند.

در همین رابطه یکی از پرستاران گفت: امسال در روز پرستار، جشن روسیاهی وزارت پزشک سالار به مناسبت عدم اجرای قانون لازم الاجرای تعرفه گذاری خدمات پرستاری، در دوازدهمین سالگرد تولدش را جشن می گیریم. وی ادامه داد سال گذشته در روز پرستار وعده های بسیار شنیدیم؛ ما پرستاران به وعده هایی که از پشت تریبون فریاد زده می شود و رسانه ها تکرار می کنند، نیازی نداریم؛ ما اجرای قانون را می خواهیم، فقط همین.

ادامه تجمع پرستاران مشهد

روز چهارشنبه ۱۱ دی، جمعی از پرستاران مشهد برای اعتراض به عدم پرداخت ماهها مطالبات، اجرانشدن قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری و وعده های توخالی مسوولان بار دیگر دست به تجمع مقابل استانداری استان خراسان رضوی، زدند.



هم اکنون ۱۵ ماه پرداخت کارانه پرستاران در مشهد به تعویق افتاده است و وعده داده شده دو ماه از کارانه های سال ۹۷ را تا ۱۵ دی ماه پرداخت کنند.

اگر تعداد پرستاران نسبت به میزان تختهای بیمارستانی

موجود در مشهد بسنجیم، بیش از ۲۵۰۰ پرستار در مشهد کمبود وجود دارد. این میزان از نرم جهانی بسیار پایین تر است که این امر نشان از کمبود شدید پرستار در مشهد دارد که باعث شده تا شیفتهای زیاد و تعداد بیماران زیاد به پرستاران داده شود که فشار کاری پرستارها را در مشهد بالا برده است.

جنبش رنگین کمان بیشماران (دی ۹۸)

گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی

جنبش نیروهای کار در سه ماه گذشته در فضای خیزشهای سه ماه گذشته جریان داشته است. قیام سراسری هفته آخر آبان برای «کار، نان، آزادی» که نیروی عمده آن فرودستان بودند، جنبش دانشجویی در نیمه ماه آذر و سرانجام خروش توده ای پس از برملا شدن دروغگویی رژیم پیرامون سقوط هواپیمای اوکراینی که در بستر شرایط انقلابی صورت گرفت، بیان پیوند نیروهای کار و تهیدستان با سایر اقشار تحت ستم جامعه است. حکومت در برابر این حرکتها گسترده به تنها حربه خود یعنی سرکوب روی آورده و با کشتار و بازداشت تلاش کرده تا تقابل جامعه با کل نظام را مهار کند. واقعیتها نشان می دهد که این سیاست جنایتکارانه کارایی نداشته و خروش توده های مردم برای رهایی همچنان جریان دارد.

در دی ماه امسال همچون ماههای گذشته موضوع حقوقهای معوقه و اخراجها یکی از مسایل روزمره کارگران و مزدبگیران بوده است. برای نمونه خبرگزاری حکومتی ایلنا در روز آدینه ۲۷ دی گزارش داد که «کارگران آب معدنی داماش که تحت نظارت هلدینگ گروه ملی در مناطق جنگلی روستای توریستی داماش کار می کنند از مهر ماه سال جاری با احتساب دی ماه حدود ۴ ماه است که حقوق نگرفته اند.» در خبرهای این ماه تعداد زیادی از این نمونه ها وجود دارد.

پدیده بیکاری و فقر در ابعاد گسترده هر روز قربانی می گیرد. مردم محرومی که برای اولیه ترین نیازهای یک زندگی شرافتمندانه مجبور به کولبری شده اند، توسط مزدوران رژیم به قتل می رسند. در ماه گذشته در اعتراض به کشتار بی رحمانه کولبران تظاهرات پرشوری در مریوان برگزار شد. مردم مریوان با در دست داشتن تکه ای نان خشک در تشییع پیکر فرهاد خسروی (فرهاد تته) فریاد می زدند: «جگر مادرمان سوخته است/ برای نان شهید داده ایم.»

فاجعه ویرانی و قتل عام محیط زیست با جاری شدن سیل در بلوچستان و رویکرد حکومت چپاولگران به خوبی نمایان و مردم بلوچستان به این وضع فاجعه بار اعتراض کردند. همچنین بحران آب و سیاستهای ضد مردمی رژیم که از طریق مافیای آب پیش می رود، موجب فقر و فلاکت کشاورزان شده است. کشاورزان اصفهان در این رابطه بارها دست به اعتراض زده و در ماه گذشته نیز چنین کردند که خبر آن در این مجموعه آمده است.

در خبرهای دی ماه از قول سرپرست سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری آمده است که: «حدود یکصد میلیون هکتار از اراضی کشور در معرض بیابانی شدن قرار دارند.»

همچنین مدیر کل دفتر استعدادیابی و بهره برداری از منابع طبیعی سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری، گفته است: «۲ میلیون هکتار از عرصه های منابع طبیعی کشور در اختیار نهادهای دولتی و نیروهای مسلح است.» پُر واضح است که عمده نیرویی که به غارت جنگلها می پردازد، سپاه پاسداران است و مدافعان دفاع از محیط زیست بارها به این غارتگری اعتراض کرده اند که با سرکوب و زندانی شدن روبرو شده اند.

در ماه گذشته بدون محاسبه حرکتها اعتراضی معلمان، دانشجویان، پرستاران و صدها حرکت اعتراضی علیه رژیم در مورد سقوط هواپیما و جانباختن ۱۷۶ تن از سرنشینان آن، ۵۱ حرکت اعتراضی از جانب نیروهای کار انجام شده است که خلاصه خبر آن در زیر آمده است:

*روز یکشنبه ۱ دی، رانندگان مخابرات در چند استان کشور نسبت به وضعیت معیشتی خود تجمع کردند. به گزارش ایلنا، با افزایش نرخ بنزین، کاسبی گروههای بسیاری کساد شده است؛ از آن جمله رانندگان شرکت مخابرات ایران که می گویند با افزایش قیمت سوخت، دیگر کار کردن به صرفه نیست.

*روز یکشنبه ۱ دی، گروهی از کارگران شرکت آسفالت ماکادام شرق در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق خود مقابل دفتر این شرکت واقع در پاکدشت، تجمع کردند. به گزارش ایران اینترنشنال، کارگران گفتند «۴۰۰ نفر از پرسنل این شرکت در نه ماه گذشته هیچ حقوقی دریافت نکرده اند.»

شرکت آسفالت ماکادام شرق در عملیات راه سازی و پخش آسفالت با شهرداری تهران و وزارت راه همکاری می کند.

*روز یکشنبه ۱ دی، اعتصاب و تجمع کارگران تاکستان در هفت تپه برای دومین روز ادامه یافت. به گزارش ایران کارگر، پس از احداث مجموعه تاکستان مسئولان مجموعه تاکستان به جای حفظ منافع و سرمایه شرکت، متاسفانه فقط در فکر پست و مقام خود بوده و عدم مدیریت آنها همیشه کارگران را به عکس العمل واداشته است.

*روز یکشنبه ۱ دی، کارگران فضای سبز شهرداری یاسوج برای اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق دست به تجمع مقابل ساختمان شورای شهر زدند. به گزارش کبنا نیوز، یکی از کارگران معترض گفت: حقوق ما معوق شده است و الان چندین ماه در سال ۹۸ حقوق دریافت نکرده و بخشی از حقوق مان در سال های ۹۶ و ۹۷ را هم دریافت نکرده ایم.

*روز یکشنبه ۱ دی، کارگران پروژه راهسازی باند دوم توره به بروجرد در اعتراض به عدم پرداخت ۷ ماه حقوق دست از کار کشیدند و در محل کارشان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یک از کارگران معترض گفت: کارگران این پروژه عمرانی از طریق یک شرکت پیمانکاری در پروژه راهسازی باند دوم توره به بروجرد مشغول کار هستند.

اجرای این پروژه عمرانی با سرمایه بنیاد مستضعفان در حال ساخت است.

*روز دوشنبه ۲ دی، کارگران ریل گذاری، تولید، تعمیرات، تراورس بتونی و رانندگان درزین راه آهن کرج در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق و حق بیمه و برای حذف شرکتهای پیمانکاری و عقد قرارداد مستقیم، اعتصاب و تجمع کردند. به گزارش ایلنا، به دنبال این اعتصاب و حضور استاندار البرز، کارفرما حق بیمه مهرماه کارگران را پرداخت کرد.

*روز دوشنبه ۲ دی، کارگران شرکت سیمان شهرکرد که سهامدار عمده اش بنیاد مسکن است برای اعتراض به عدم پرداخت مطالبات و شرایط کاری برای دومین روز دست از کار کشیدند و مقابل کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض پس از ۲ روز با تعیین مهلت ۳۰ روزه برای پاسخگویی به مطالبات شان به طور موقت برسرکارشان بازگشتند.

*روز دوشنبه ۲ دی، شماری از کشاورزان شرق اصفهان در پی اطلاع از شروع مجدد حفر کانال توسط شرکت آب منطقه ای استان اصفهان برای انتقال آب سد زاینده رود به منطقه بن بروجن، با تجمع در محوطه سد تنظیمی زاینده رود، از حفر کانال و انتقال آب سد زاینده رود برای چندمین بار ممانعت کردند. به گزارش ایران کارگر، عوامل مافیای دولتی آب برای انتقال آب قبلا به این کار اقدام کرده بودند که در اثر ممانعت کشاورزان، مجبور به پر کردن کانال حفر شده شدند.

فیلم این اقدام شجاعانه کشاورزان شرق اصفهان در آدرس زیر:

<https://www.youtube.com/watch?reload=9&v=1HBqWliNmFk>

*روز سه شنبه ۳ دی، گروهی از کارکنان نیروهای مسلح عضو «تعاونی هجرتی» نیروی زمینی ارتش، در اعتراض به عدم تحویل خانه های ثبت نامی تعاونی، مقابل مجتمع قضائی عدالت میدان تجریش تهران تجمع کردند. به گزارش ایران

اینترنشنال، تعاونی هجرتی طی چهار سال، مبالغی را به عنوان قسط از شهروندان دریافت کرده اما تاکنون هیچ مسکنی به متقاضیان تحویل نداده است.

*روز سه شنبه ۳ دی، جمعی از ساکنان شهرک اکباتان تهران مقابل بیمارستان فوق تخصصی زایمان این شهرک دست به تجمع زدند. به گزارش هرانا، مینو معتکف، نائب رئیس هیات مدیره بلوک ۱D در فاز ۳ اکباتان در این خصوص گفت: «بارها با نامه نگاری و درخواست ملاقات حضوری با مدیریت بیمارستان مشکلات مان را مطرح کردیم. متأسفانه نه تنها ملاقاتی انجام نشد بلکه جواب سربالا هم شنیدیم. در جریان عملیات توسعه فضای بیمارستان و استقرار کارگاه ساختمانی، درهای اورژانس که از سمت ضلع غربی بیمارستان باز می‌شد به ضلع جنوبی انتقال یافت. این جا به جایی که ما دلیلش را نمی‌دانیم برای اهالی ساکن در ۳ بلوک فاز ۳ اکباتان دردسر زیادی ایجاد کرده است. در این محدوده به دلیل کمبود پارکینگ و حجم بالای تردد ماشین تنها امکان تردد یک وسیله نقلیه وجود دارد.»

*روز سه شنبه ۳ دی، کارگران شهرداری کوت عبدالله برای اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق و حق بیمه مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. به گزارش ایرنا، یکی از کارگران حاضر در این تجمع گفت: چهارماه حقوق از پیمانکار شهرداری کوت عبدالله طلب داریم ضمن این که حق بیمه کارگران تنها تا مهرماه پرداخت شده است.

*روز سه شنبه ۳ دی، پاکیاران سازمان مدیریت پسماند شهرداری مشهد برای اعتراض به اخراج از کار دست به تجمع مقابل شورای شهر و شهرداری مشهد زدند. به گزارش ایلنا، یکی از معترضان گفت: ۴۵ نفر از مربیان پاکیار آموزشی مدارس در سازمان مدیریت پسماند شهرداری مشهد مشغول به کار بودیم که از ۹ تا ۱۴ سال سابقه کار دارند که بعضاً از این افراد سرپرست خانواده نیز بوده‌اند. وی ادامه داد: هم اکنون طرح پاکیاران از سمت شورای شهر لغو شده و به مدیریت سازمان پسماند دستور داده شده که نیروها در قسمت فرهنگی شهرداری سازماندهی شوند، اما مدیر عامل سازمان نه تنها اقدامی انجام نداده بلکه در طول مدت تابستان هیچ اطلاع‌رسانی به مربیان انجام نداده و پس از مراجعه پاکیاران به آنها گفته قرارداد شما تمام شده و دیگر کاری با شما نداریم.

*روز دوشنبه ۲ دی، کارگران کارخانه هپکو برای اعتراض به عدم پرداخت ۲ ماه حقوق، بلاتکلیفی شغلی و وعده‌های توخالی مسئولان بار دیگر مقابل استانداری استان مرکزی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، مصوبات و وعده‌ها مسئولان در رابطه با پایان دادن به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی یکی پس از دیگری عملی نمی‌شود و در حد نوشته و حرف باقی می‌مانند.

روز چهارشنبه ۴ دی برای دومین بار در هفته جاری، کارگران کارخانه هپکو دست به تجمع مقابل استانداری در شهرستان اراک زدند.

*روز آدینه ۶ دی، سهامداران پروژه پارک آبی بندرعباس به دلیل مشخص نشدن وضعیت و به اتمام نرسیدن پروژه پارک آبی بعد از ۵ سال و سود سهام خود در جلوی پارک آبی بندرعباس تجمع کردند. به گزارش ایسنا، به گفته یکی از سهامداران: آذر ماه سال گذشته طی یک جلسه، گفته شد ۲۳ میلیارد کسری بودجه داریم که کارشناس بانک تایید کرده و قرار است به زودی واگذار شود که در صورت واگذاری تا ۱۰ ماه آینده پروژه به بهره‌برداری می‌رسد اما که عملاً هیچ اتفاقی صورت نگرفته است.

*روز شنبه ۷ دی، کارگران شهرداری بروجرد در اعتراض به انتقال به بخش نظافت شهری دست از کار کشیدند. با این اعتصاب تمامی خیابانها، مناطق و شهرکهای شهر بروجرد مملو از زباله شد و بوی نامطبوع شهر را فرا گرفت. به گزارش

سفیر افلاک، مدتیست به هر جای شهر که نگاه می کنی انباشتی از زباله ها و بوی تعفن به مشام می رسد، زباله هایی که در برخی از کوچه ها به دلیل عدم جمع آوری، سرازیر جویها شده و بوی بدی را تولید می کنند.

*روز یکشنبه ۱ دی، کارگران پیمانکاری چادرملو برای اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی دست به تجمع زدند. این کارگران از روز شنبه ۳۰ آذر اعتراض خود را آغاز کردند. به گزارش ایلنا، دبیر انجمن صنفی کارگران پیمانکاری حاتمی در معدن چادرملوی یزد گفت: کارگران پیمانکاری حاتمی در اعتراض به عدم پاسخ مناسب از سوی روابط کار اداره کل استان در ارتباط با اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و اجرایی نشدن قانون، اقدام به تجمع کردند. قابل ذکر است که اداره روابط کار استان در جواب اعتراض نمایندگان کارگران که به وزارت ارسال شده بود، پاسخی مبهم ارائه کرد و همین موجب اعتراض کارگران شد.

روز دوشنبه ۲ دی برای دومین روز متوالی، کارگران پیمانکاری معدن چادرملو به اعتصاب و تجمع شان ادامه دادند. روز سه شنبه ۳ دی، برای سومین روز متوالی، کارگران پیمانکاری معدن چادرملو به اعتصاب شان برای اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل ادامه دادند.

روز شنبه ۷ دی، رئیس انجمن صنفی کارگران حاتمی گفت: با حضور کارفرما در جمع کارگران معترض و وعده شفاهی مبنی بر پیگیری مطالبات، کارگران به سر کار بازگشتند. وی با بیان اینکه به کارفرما یک ماه فرصت دادیم، افزود: قرار شد با حضور نمایندگان کارگران، کمیته ای تشکیل شده و اشکالات طرح طبقه بندی مطرح و رفع شود.

*روز شنبه ۷ دی، مالکان اراضی کت آباد قزوین مقابل استانداری تجمع کرده و خواهان رسیدگی مسئولان به مشکلات این منطقه شدند. به گزارش ایرنا، به گفته یکی از این شهروندان: اراضی کت آباد در حدود ۲۰۰ هکتار بوده و در محدوده بیمارستانهای پاستور تا قدس واقع شده اند و از سه روز پیش مطلع شدیم که این اراضی از محدوده شهری خارج شده اند. وی افزود: تا یک سال پیش شهرداری منطقه ۲ قول داده بود که اراضی این مالکان را خریداری کند، اما اکنون این اراضی از محدوده طرح شهری خارج شده اند. این زمینها هم اینک حدود ۳۵۰ مالک دارند.

*روز یکشنبه ۸ دی، کارگران اخراجی پروژه جاده پاتاوه - دهدشت در استان کهگیلویه و بویراحمد مقابل فرمانداری تجمع کردند. به گزارش صبح زاگروس، مساله ای که این روزها این پروژه را بر سر زبانها آورده پیشرفت آن نیست بلکه اعتراض کارگران این پروژه است. اخراج آنها موجب نگرانی و گلایه شدید از رئیس کارگاه غیربومی پروژه شده و این اعتراض تاکنون به مراجع ذی صلاح رسیده است. در همین رابطه یکی از کارگران اخراجی این پروژه گفت: نزدیک به ۴۰ نفر از کارگرانی که در این پروژه مشغول به کار بوده اند توسط مدیر پروژه اخراج شده و به جای آنها آشنایان نزدیک خود را به کار گرفته است.

*روز یکشنبه ۸ دی، جمعی از کارگران نی بُر مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه برای اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، کارگان تجمع کننده گفتند: هر کدام از ما ۲۵ تا ۳۰ سال سابقه کار در این مجتمع داریم. همه جا رفته و به همه ارگان های مربوطه مراجعه کرده ایم.

کارگران نی بر در ادامه گفتند: حقوق ما سه میلیون تومان است؛ از مزایای مزدی ما زدند و کار را به پیمانکار دادند؛ ما اکثریت غیربومی هستیم یک عده جزئی بومی داریم؛ الان فقط بیمه ما را واریز می کنند اما حقوق نمی دهند. می خواهند همینطور حق بیمه ما را بردارند تا ما بازنشسته شویم.

*روز یکشنبه ۸ دی، کارگران شهرداری بروجرد در استان لرستان، مقابل ساختمان شورای فرمایشی و شهرداری این شهر دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، کارگران علت حضور خود در این تجمع را اعتراض به جایجایی اجباری به بخش

خدمات و جمع آوری زباله و معوقات مزدی عنوان کردند. شهرداری بروجرد حدود ۲ هزار نیروی رسمی، پیمانی و قراردادی و شرکتی دارد و میانگین سابقه کاری کارگران جابجا شده یک تا ۵ سال است که برخی از آنها هنوز بخشی از مطالبات مزدی خود را طلبکار هستند.

*روز یکشنبه ۸ دی، جمعی از حواله‌داران ساندرو در اعتراض به تحویل ندادن خودروهای شان از سال ۹۶ تا کنون، مقابل معاونت بازاریابی سایپا واقع در جاده مخصوص کرج تجمع کردند. تجمع کنندگان تراکت‌های اعتراضی در دست داشتند که روی آنها نوشته شده بود: «حق گرفتنی است»، «سایپای نامطمئن، مرا به خاطر داشته باش، به هیچ وجه تا لحظه مرگم از حقم کوتاه نمی‌آیم...».

*روز سه شنبه ۱۰ دی، کارگران کارخانه کک سازی و پالایش قطران زرنند کرمان وابسته به شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران برای اعتراض به تبدیل وضعیت از دایمی به موقت و اعمال فشار اقتصادی به کارگران برای امضای قرارداد موقت دست از کار کشیده و در مجتمع واقع در کیلومتر ۷ جاده زرنند - کرمان تجمع کردند. به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ISNA)، کارگران کارخانه کک سازی و پالایش قطران زرنند گفتند: این اعتراض به نحوه بستن قرارداد از حالت دائم به موقت است و از زمانی که مدیریت این شرکت از سوی دولت به بخش خصوصی واگذار شد، تسهیلات و مزایای کارگران قطع شد. این مجتمع از اول آذر ماه ۱۳۹۵ به شرکت فولاد زرنند ایرانیان واگذار گردیده است.

*روز سه شنبه ۱۰ دی، جمعی از نانوایان استان قزوین برای افزایش قیمت نان دست به تجمع مقابل استانداری زدند. به گزارش ایلنا، یکی از نانوایان حاضر در تجمع گفت: درحالی که قیمت همه محصولات و کالاها در سه سال گذشته منجمه بنزین افزایش یافته است، اما همچنان قیمت نرخ نان در قزوین ثابت مانده و معیشت نانوایان را با مشکل مواجه کرده است. وی افزود: کارگران نانوايي هم اکنون با حقوق سه سال قبل زندگی می‌کنند، درحالی که قیمت کالاهای ضروری در جامعه چندبرابر شده است.

*روز دوشنبه ۱۶ دی، رانندگان شرکت تعمیر و نگهداری انتقال نیروی برق خوزستان برای اعتراض به سطح پایین حقوق شان دست از کار کشیدند. به گزارش ایرنا، یکی از رانندگان این شرکت گفت: باوجود افزایش نرخ تمام کالاها، اما حقوق ما در چند سال گذشته هیچگونه افزایشی نداشته است. وی ادامه داد: رانندگان این شرکت حتی بیمه هم نیستند، و تسهیلاتی برای خرید سوخت و قطعات خودرو نیز به آنها پرداخت نمی‌شود.

*روز شنبه ۲۱ دی، اهالی روستای نصرآباد از توابع بخش جغین شهرستان رودان در استان هرمزگان برای اعتراض به وضعیت نامناسب راه، جاده نصرآباد به جغین جنوبی را مسدود کردند. به گزارش شبستان، یکی از اهالی این روستا گفت: در پی بارندگی شدید که از دو روز قبل آغاز شده و پیامدهای ناشی از آن، مسیر ارتباطی روستای کم باران با روستاهای اطراف قطع شده است. وی افزود: به علت تخریب پل، مسیر روستای کم باران در دهستان نصرآباد بخش جغین مسدود شده است.

*روز یکشنبه ۲۲ دی، جمعی از آتش نشانان کاشان به همراه تعدادی از اعضای خانواده شان برای اعتراض به پایمال شدن حقوق شان و جابجایی ۶ همکارشان دست به تجمع در شورای فرمایشی شهر زدند. به گزارش اهل کاشان، یکی از نمایندگان آتش نشانان اظهار داشت: عنوانهای شغلی ما مهم است و هر کس یک مهارت مانند غواصی، کوهستان، نجاتگر، راننده و... دارد ولی در این سازمان همه راننده نامیده می‌شویم و کسی هم جوابگو نیست.

*روز سه شنبه ۳ دی، کارگران شهرداری مریوان در اعتراض به عدم پرداخت ۸ ماه حقوق دست از کارکشیده و از جمع آوری زباله ها از سطح شهر خودداری کردند. به گزارش ایلنا، کارگران اعتصابی گفتند: هرچه اعتراض کردیم به جایی نرسیده ایم، الان هشت ماه است که ما دستمزد نگرفته ایم؛ وضع ما از کولبران بدتر است؛ آنها یکباره می میرند، ما محکومیم به مرگ تدریجی!

روز دوشنبه ۹ دی، کارگران شهرداری مریوان برای چندمین بار با خودداری از جمع آوری زباله ها از سطح شهر به اعتصاب خود ادامه دادند. روز دوشنبه ۲۳ دی، کارگران مریوان در اعتراض به عدم دریافت حقوق، بار دیگر از جمع آوری زباله های شهری اجتناب کردند.

*روز دوشنبه ۲۳ دی، اعضای تعاونی مسکن شهرک زیتون در شمال شرق تهران برای اعتراض به تعویض زمینهای شان دست به تجمع مقابل وزارت راه و شهرسازی زدند. به گزارش ایرنا، شرکت کنندگان در این تجمع که شمار آنها به دهها نفر می رسید، با پیشنهاد واگذاری زمین معوض در منطقه «واصفجان» واقع در پردیس دماوند به جای زمینهای آنان در منطقه سرخه حصار مخالفت کردند. آنان می گویند زمین معوض پیشنهادی، هم معارض دارد و هم از نظر ارزش اقتصادی، بسیار پایین تر از زمینهای شهرک زیتون است.

شهرک زیتون در منطقه جنگلی سرخه حصار در شرق شهر تهران قرار دارد. سرچنگلداری کل استان تهران، حدود ۲۴۰ هکتار از اراضی ملی سرخه حصار را در سال ۱۳۶۵ به وزارت کشاورزی واگذار کرد و این وزارتخانه نیز دی ماه همان سال، زمینها را به طور رسمی در اختیار تعاونی مسکن کارکنان خود گذاشت.

*روز شنبه ۲۸ دی، کارگران طرح سد گاران و سامانه انتقال آب (شرکت فنی مهندسی شایگان مهر آپادانا) واقع در مریوان برای اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی مقابل استانداری کردستان در سنندج تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران گفتند: ما نزدیک به ۱۰ نفر هستیم که برای شرکت شایگان مهر آپادانا در پروژه آبرسانی سد گاران کار می کردیم اما نزدیک به سه ماه است که شرکت تعطیل و موقوفات مزدی کارگران پرداخت نشده است.

*بامداد روز شنبه ۲۸ دی، جمعی از شرکت کنندگان در آزمون ورودی مهندسی رشته معماری طراحی برای اعتراض نسبت به سئوالات و نتایج اعلام شده مقابل وزارت راه تجمع کردند و خواستار بازنگری در این آزمون بودند. به گزارش ایرنا، نماینده تجمع کنندگان گفت: سئوالات این آزمون استاندارد نبود و به همین دلیل، نتایج اعلام شده از نظر ما غیرمنتظره و غیر قابل قبول است.

*کارگران پتروشیمی بندر امام در روز سه شنبه ۳۰ دی، برای یکسان سازی پایه های حقوق کل نیروهای شاغل در این بندر امام و طرح طبقه بندی مشاغل و ایجاد اتحادیه کارگری دست به اعتصاب زدند. به گزارش ایلنا، مهم ترین مطالبه کارگران پتروشیمی این بندر، رفع تبعیض شغلی و یکسان سازی پایه های حقوقی کارگران است. این درحالی است که در مواردی، دو کارگر با کار یکسان و مدرکهای تحصیلی مشابه به علت قرارداد کاری متعدد در مجموعه پتروشیمی دستمزدهایی با اختلافی در حد چند میلیون دریافت می کنند.

اخبار کوتاه بر اساس گزارشهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی

سه شنبه ۱۰ دی: تجمع غارت شدگان موسسه کاسپین مقابل ساختمان دفتر ریاست قوه فاسد قضائیه.
پنجشنبه ۱۲ دی: تجمع مردم شهر مهرستان واقع در استان سیستان و بلوچستان در اعتراض به بستن کارتهای سوخت، مقابل فرمانداری مهرستان

یکشنبه ۲۲ دی: اعتصاب رانندگان تاکسی خط ونک - رسالت در اعتراض به تغییر ایستگاه

تکیه نظام بر نیروی نظامی بدون مرز و با بمب هسته ای

مهدی سامع

با انتشار این خبر که خامنه ای در روز ۲۷ دی روضه خوان نمایش حکومتی نماز جمعه است، تحلیل و تفسیرهای زیادی پیرامون هدف و برنامه ولی فقیه از ظهور در این مراسم منتشر شد. برخی بر این باور بودند که خامنه ای مثل جمعه ۲۹ خرداد سال ۱۳۸۸ جسم علیل اش را به رُخ کشیده و با بستن شمشیر از رو، اتمام حجت می کند. برخی دیگر بر این نظر بودند که ولی فقیه تصمیم به میزانی نرمش قهرمانه آمیخته با دلسوزی برای جانباختگان هواپیمای اوکراینی دارد. تحلیلهای «دایی جان ناپلئونی» نیز، به ویژه در شبکه های اجتماعی، به وفور دیده می شد. برای مثال گفتند و نوشتند که خامنه ای با آمریکا به طور پنهانی توافق کرده تا برای «سازش نهایی»، سلیمانی به وسیله آمریکا از سر راه برداشته شود و خامنه ای نیز با موشک زدن به مهمترین پایگاه آمریکا در عراق، پایان جدال با نتیجه «بُرد- بُرد» را اعلام کند. واکنش ترامپ به حمله موشکی رژیم فاکتور مناسبی برای مدافعان این نظریه بود. و بالاخره دیدگاه دیگری هم وجود داشت که هدف خامنه ای را «قدرت نمایی کاذب»، «روحیه دادن به نیروهای خاص ولایت»، «ترمیم زخمهای وارد شده بر هِرم قدرت» و بالاخره «ناچیز نشان دادن خشم و نفرت مردم از نظام» ارزیابی می کرد.

قبل از این که به هدف و برنامه خامنه ای پیرامون روضه خوانی در نماز جمعه پرداخته شود، لازم است ابتدا بینیم این نمایش حکومتی در چه شرایطی برگزار شد.

خامنه ای با نادیده گرفتن قیام قدرتمند هفته آخر آبان امسال و خیزش انقلابی مردم عراق و لبنان، تحولات را محدود به دو هفته ختم شده به نماز جمعه ارزیابی کرد و گفت: «دو هفته گذشته دو هفته ای استثنایی و پر از ماجراهای تلخ و شیرین و درس آموز برای ملت [بخوانید برای نظام] ایران» بود. وی شروع این دوهفته را روز به هلاکت رسیدن قاسم سلیمانی اعلام کرد. حتی اگر نخواهیم نقش تعیین کننده خیزش آبان و قیامهای مردم عراق و لبنان را وارد ارزیابی از شرایط کنیم، صحبت از ۱۵ روز «ماجرا» گمراه کننده است. زیرا حمله مزدوران عراقی رژیم به یک پایگاه آمریکایی یک هفته پیش از کشته شدن سرکرده کل تروریستهای رژیم صورت گرفت. بنابراین رویدادها را از آن نقطه شمارش می کنیم. *جمعه ۶ دی ۱۳۹۸ (۲۷ دسامبر ۲۰۱۹): نیروهای حشدالشعبی به یک پایگاه عراقی - آمریکایی در نزدیکی شهر کرکوک با پرتاب چند راکت حمله کردند که در نتیجه آن یک پیمانکار آمریکایی کشته شد.

*یکشنبه ۸ دی ۱۳۹۸ (۲۹ دسامبر ۲۰۱۹): نیروهای آمریکایی پایگاههای «کتاب حزب الله» عراق از زیرشاخه های حشد الشعبی را در شهرستان قائم در غرب عراق، بمباران کردند. در پی این حمله، تعدادی از اعضای کتاب کشته و مجروح شدند.



*سه شنبه ۱۰ دی ۱۳۹۸ (۳۱ دسامبر ۲۰۱۹): نیروهای حشدالشعبی بدون مانع وارد منطقه سبز در بغداد شدند و سفارت آمریکا را مورد حمله قرار دادند و خسارتهایی بدان وارد کردند. تصویرهای منتشر شده نشان می دهد که سرکردگان حشدالشعبی در این اقدام ماجراجویانه شرکت داشته اند.



*جمعه ۱۳ دی ۱۳۹۸ (۳ ژانویه ۲۰۲۰): آمریکا به وسیله یک پهباد قاسم سلیمانی و ابومهدی مهندس را در ترمینال حمل بار فرودگاه بغداد مورد حمله قرار داد که در این عملیات این دو نفر و تعدادی دیگر به هلاکت رسیدند.

از روز شنبه ۱۴ دی تا سه شنبه ۱۷ دی، کارنوال مُرده گردانی قاسم سلیمانی در شهرهای مختلف و با هزینه کلان به راه افتاد و در آخرین روز در شهر کرمان حدود ۷۰ نفر از میان جمعیت کشته شدند. خامنه ای صحبت از دهها میلیون شرکت

کننده در این جسد گردانی می کند و می گوید: «آن روزی که دهها میلیون در ایران و صدها هزار نفر در بعضی کشورها به پاس خون فرمانده سپاه قدس به خیابانها آمدند و بزرگترین بدرقه جهان را شکل دادند از ایام الله است.» سرکرده کل سپاه منفور پاسداران با بلاهت غیر قابل توصیف، جمعیت را، لابد به طور دقیق، «۵۰ میلیون» اعلام کرد. علی مطهری، نایب رئیس مجلس ارتجاع در این مورد گفته است که: در اتفاقات کرمان ما اطلاع دقیق داریم که ۵ نفر در جلسه شورای تامین اعتراض کرده اند که اگر جمعیت به این نقطه مشخص برسد تلفات خواهیم داشت چون عرض خیابان کم است. اما چند نفر دیگر قبول نکرده اند و گفته اند ما اصرار داریم جمعیت را نشان بدهیم و باید ازدحام چشمگیر باشد. (همشهری، دوشنبه ۲۳ دی ۱۳۹۸)

❖ چهارشنبه ۱۸ دی ۱۳۹۸ (۸ ژانویه ۲۰۲۰): در اولین ساعتهای این روز، سپاه پاسداران تعدادی موشک به سوی دو پایگاه نظامی ایالات متحده در عراق شلیک کرد که به گفته مقامات آمریکایی تلفاتی نداشته و رسانه های وابسته به سپاه مدعی شدند که دهها آمریکایی در حمله موشکی سپاه کشته شده اند. چند ساعت پس از این موشکباران که دولتهای عراق و دانمارک از آن اطلاع داشتند، یک هواپیمای اوکراینی با ۱۷۶ سرنشین دقیقی پس از برخاستن از فرودگاه تهران سقوط کرد و همه سرنشینان آن که ۱۴۷ تن از آنها ایرانی بودند، جانباختند.

پس از این فاجعه غم انگیز، کارگزاران نظام مجموعه ای از دروغ، گزارشهای جعلی، پنهانکاری، فریبکاری، نیرنگ، گزافه گویی و ... را از طریق رسانه های وابسته به حکومت نشر دادند. با وجود آن که دقیقی پس از این اقدام رسوا، فیلم شلیک موشک به هواپیما در شبکه های اجتماعی و برخی از رسانه های در خارج از کشور منتشر شد، اما عده ای از تبهکاران حکومتی «نقص فنی و آتش سوزی در یکی از موتورهای» هواپیما را علت سقوط آن اعلام کردند. شرکت هواپیمایی اوکراینی این ادعا را به شدت تکذیب کرد. علی عابدزاده، رئیس سازمان هواپیمایی رژیم، در تلویزیون ظاهر شد و سقوط هواپیما بر اثر برخورد موشک سامانه دفاعی را «غیرممکن» دانست.

حسام الدین آشنا، از تبهکاران به نام و از شکنجه گران «آشنا» که اکنون مشاور فرهنگی حسن روحانی است، خبرها در این زمینه را «جنگ روانی» اعلام کرد با تهدید، روزنامه نگاران ایرانی خارج از کشور را خطاب قرار داد که «به آن دامن نزنند».

علی ربیعی که در مقام شکنجه گر تجربه فراوانی در دروغ پردازی دارد، گزارشهای مبنی بر شلیک موشک به هواپیما را «روش کاملا حساب شده و شناخته شده در عملیات روانی» دانست و به ضیرس قاطع نوشت: «در آینده که مشخص شد این ادعای دروغ عاری از حقیقت است هیچ کس مسئولیت این دروغ بزرگ را بر عهده نخواهد گرفت.»

روزنامه کیهان خامنه ای در مطلب روز چهارشنبه، احتمال شلیک موشک به هواپیما را «یک دروغ»، «شیادی آمریکا»، «جنگ روانی»، «سناریو سازی دروغین غرب» و ... معرفی کرد.

تیتیر و مطلب از قبل تهیه شده روزنامه جمهوری اسلامی در روز شنبه ۲۱ دی، بیان کننده شیوه عمل رسانه های حکومتی در دروغگویی است.

در همان روز چهارشنبه مشخص شد که آمریکا اطلاعات دقیقی در مورد سقوط هواپیما در اختیار کانادا و اوکراین گذاشته است. براساس این اطلاعات نخست وزیران کانادا و بریتانیا با استناد به داده های ماهواره ای آمریکا، احتمال شلیک موشک به هواپیما را مطرح کردند.

سرانجام تحت فشار خارجی و افشاگریهای مندرج در شبکه های اجتماعی، در بامداد روز شنبه ۲۱ دی ۱۳۹۸، سرکرده نیروی هوافضای سپاه پاسداران، مسئولیت فاجعه صبح چهارشنبه را بر عهده گرفت و با پوشاندن حقیقت و «عذر بدتر از گناه» گفت مامور سامانه پدافند هوایی سپاه، هواپیمای مسافربری اوکراینی را «اشتباها موشک کروز تشخیص داده» و به سمت آن شلیک کرده است. وی در این رابطه گفت: «من غرب کشور بودم بلافاصله به سمت تهران آمدم. بین راه با مسئولان تماس گرفتم و گفتم این اتفاق افتاده. من احتمال بالا می دهم که هواپیماهای خودی را ما زده باشیم. من دوباره تکرار می کنم بنده در اولین ساعتی که مطلع شدم به مقامات اطلاع دادم».

مقامهای بالاتر او سرکرده کل سپاه، ستاد کل نیروهای مسلح و سرکرده کل نیروهای مسلح، یعنی علی خامنه ای، است. البته خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران مدعی شد که خامنه ای تا روز جمعه از واقعیت «اطلاع نداشته» است. پس از اعتراف رژیم به این رسوایی، کارگزاران رژیم برای عذر خواهی بدتر از گناه دروغگویی به صف شدند. حرفهای مضحک جواد ظریف برای شناخت این دغلكار و شیاد گویا است. او می گوید: «خطای انسانی در زمان بحران ناشی از ماجراجویی آمریکا موجب فاجعه شد.»

با برملا شدن عمل رسوا و فاجعه بار سپاه تحت امر ولی فقیه، موجی از خیزش، جنبش و اعتراض در سراسر کشور جریان پیدا کرد که همه نمایشهای رژیم پیرامون هلاکت سلیمانی را به کلی بی اعتبار کرد. پیرامون این خیزشها در روز آخرین ساعات روز یکشنبه ۲۲ دی، نوشته کوتاهی را در فیس بوک منتشر کردم که ضمیمه این یادداشت است.

خامنه ای در چنین شرایطی در روز جمعه به منبر رفت و کوشش کرد وضعیت آشفته درون رژیم و به ویژه سردرگمی هواداران خاص اش را سر و سامان دهد. او با تحقیر مردم بپاخاسته، صحبتهای تکراری بسیار کرد. به سیل و ویرانی در بلوچستان کاری نداشت. برای جانباختگان هواپیما عزای عمومی اعلام نکرد، انگلیس را «خبیث» نامید و کشورهای اروپایی را «حقیر» و «پادوی» آمریکا معرفی کرد و گفت: «ما از مذاکره، البته به جز با آمریکاییها، ابایی نداریم.» معنی حرف همه کاره نظام این است که با «پادوهای آمریکا» حاضر به مذاکره هستیم.

او حاج قاسم و ابومهدی نه «به چشم یک فرد»، «بلکه باید آنها را یک مکتب، یک راه و یک مدرسه درس آموز» معرفی کرد. با همین معرفی وی دو نکته مطرح می کند که از میان وراجیهای او قابل تامل است.

خامنه ای می گوید: «سپاه قدس در جایگاه رزمندگان بدون مرز، هرجا نیاز باشد برای کمک به ملتهای منطقه و حفظ کرامت مستضعفان حضور می یابد.» توجه داشته باشیم که خامنه ای پس از قیام آبان ماه امسال خطاب به بسیجیان، «مستضعفان» را این گونه تعریف کرد: «مستضعفین را بد معنی می کنند، این چند سال اخیر باب شده آن را فرودست و اقشار آسیب پذیر معنا می کنند؛ نه! قرآن مستضعف را این نمی داند... قرآن می گوید: مستضعفین یعنی ائمه و پیشوایان بالقوه عالم بشریت.»

بنابراین و بنا به تعریف خامنه ای، سپاه قدس در خدمت ولایت خامنه ای است. نکته دوم قابل تامل در سخنان خامنه ای چنین است: «به فضل الهی این ملت و کشور در آینده ای نه چندان دور به نقطه ای می رسد که دشمنان حتی جرأت تهدید او را هم پیدا نکنند.» این ادعای خامنه ای فقط وقتی عملی می شود که رژیم ولایت فقیه به بمب هسته ای دست یابد، وگرنه جمهوری اسلامی در هیچ زمینه دیگر نمی تواند قدرتمندی کند. بی مرز بودن سپاه قدس (صدور ترور و بنیادگرایی) و رسیدن به «نقطه» دستیابی به بمب هسته ای سیاست همیشگی نظام ولایت فقیه بوده که ما همواره آن را افشا کرده ایم.

ضمیمه:

دیدگاه انحرافی پیرامون مُرده گردانی حاج قاسم

پس از به هلاکت رسیدن قاسم سلیمانی و با نمایش مُرده گردانی که حاکمیت با هزینه کلان به راه انداخت، برخی از کسانی که در گذشته خواستار «مسلح شدن سپاه به سلاح سنگین بودند»، اکنون که این نیروی منفور، مخرب و ضد انسانی به سلاح مافوق سنگین مسلح شده، در ماتم کشته شدن یکی از جنایت کارترین سرکردگان سپاه، با حربه «خطر جنگ»، چند دیدگاه انحرافی را تبلیغ و ترویج کردند و گفتند و نوشتند که:

- مردم برای مخالفت با جنگ (کدام جنگ را نگفتند) همسو با رژیم به صورت میلیونی (استناد به آمار رژیمی که همیشه دروغ می گوید) در مراسمهای جنازه گردانی شرکت کرده اند.

- قاسم سلیمانی خطر داعش را از ایران دور کرد (به داعش حاکم در تهران کاری ندارند)

- و بالاخره این که کشتن حاج قاسم، باعث انفعال مردم و کاهش مبارزات آنان خواهد شد.

اکنون ببینیم این نظرات لابد خیلی کارشناسی که در دود و دم یک معرکه گیری مضحک به طور گسترده پوشش رسانه ای داشت، چگونه دود شد و رفت به هوا.

در اولین ساعات بامداد روز چهارشنبه ۱۸ دی، کمی بیش از یک ساعت از پینگ پونگ موشکی با آمریکا، سپاه جنایتکار پاسداران با موشکهایی که قوی تر از آن حتی یک آمریکایی را هم زخمی نکرده است، به یک هواپیما شلیک کردند و ۱۷۶ تن از سرنشینان آن را به قتل رساندند.

اما قاتلان حقیقت را کتمان کردند و بازهم بر طبق سنت همیشگی حکومت مشتی دروغ و ادعاهای مضحک تحویل مردم دادند. این حرف تهمت ناروا نیست. به حرفهای جواد ظریف، حسام الدین آشنا، علی ربیعی که مثلاً «اعتدالیون» هستند و ذوب شدگان در ولایت که لابد «عامیون» هستند و همه جا پوشش داده شده می توان مراجعه کرد.

ایستادگی مسئولان کانادا و اوکراین و اطلاعات آمریکا که به این دو کشور ارایه شد و موج انزجار داخلی و بین المللی سپاه پاسداران را مجبور کرد که مسئولیت موشک پرانی به هواپیما را، البته با استدلالهای مسخره، بپذیرد.

روز جمعه ۲۰ دی اعتراف سپاه پاسداران رسانه ای شد و روز شنبه ۲۱ دی تیر آرش از کمان دانشگاه پرتاب شد و هر سه نظریه «دانشمندان»، «کارشناسان» و لابد «صلح طلبان» را نقش بر آب کرد.

خروش خلق از دانشگاههای تهران شروع شد و به سرعت مورد حمایت مردم قرار گرفت. طی روزهای شنبه ۲۱ و یکشنبه ۲۲ دی، در دستکم ۲۰ شهر و در دهها مکان در این شهرها زنان و مردان آزادیخواه خامنه ای و ولایت اش و قاسم اش را شستند و آویزان کردند.

دیدن فیلمهای منتشر شده از این خیزش افتخار برانگیز نشان می دهد که:

- مردم کل نظام را با شعارهای زیر نشانه گرفته اند:

«مرگ بر دیکتاتور/ مرگ بر اصل ولایت فقیه/ جمهوری اسلامی نمی خواهیم نمی خواهیم/ خامنه ای قاتله ولایتش باطله/ دشمن ما همین جاست دروغ می گن آمریکاست/ سلیمانی قاتله، رهبرشم خائنه/ سلیمانی قاتله رهبرشم قاتله جاهله خائنه/ مرگ بر این ولایت، این همه سال جنایت/ مرگ بر خامنه ای/ ننگ ما ننگ ما، رهبر الدنگ ما/ به من نگو فتنه گر فتنه تویی ستمگر/ کشته ندادیم که سازش کنیم، رهبر قاتل رو ستایش کنیم و»

- مردم با شعارهای زیر نشان می دهند که از سپاه پاسداران تنفر دارند و هیچ ترفندی نمی تواند آب تپهیر بر این نهاد جنایتکار بریزد:

«سپاه جنایت می کند، رهبر حمایت می کند/ سپاه بی کفایت، مایه ننگ ملت/ سپاهی حیا کن، مملکتو رها کن/ دیکتاتور سپاهی، داعش ما شمایی/ سپاه بی کفایت مایه ننگ ملت و»

- و بالاخره مردم برای نظریه پردازان «واقع بین» که همیشه آمار رژیم را درست و اصل می گیرند شعار دادند:

«بی شرف، بی شرف، دروغگو، دروغگو»

قرار دادن این شعارهای همگانی در کنار پاره کردن بنرهای جنایتکار جنگی، قاسم سلیمانی تروریست، شفافیت صحنه جنگ رژیم با مردم ایران را نشان می دهد. این جنگ واقعی ترین و جدی ترین جنگ هم برای رژیم و هم برای مردم ایران است.

بار دیگر جانباختن سرنشینان هواپیمای اوکراین را به خانواده و آشنایان آنان تسلیم می گویم و این نوشته را با یکی دیگر از شعارهای مردم و با گرمی داشت یاد و نام بیش از ۱۵۰۰ شهید قیام سترک آبان امسال پایان می دهم؛ بجنگ تا بجنگیم!

اظهار نظر «کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر» در عراق

تویتر ثوره تشرین (انقلاب اکتبر)

عراق شماره: ۱۶۰

شنبه ۱۴ دی ۱۳۹۸ - ۴ ژانویه ۲۰۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم



اقدام نیروهای آمریکایی مبنی بر اجرای عملیات ترور قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس [رژیم] ایران و برخی از افسران ایرانی و افراد در ارتباط با طرحهای توسعه طلبانه رژیم ایران در عراق و منطقه و پیشاپیش آنها جمال جعفر ملقب به (ابومهدی المهندس) که دست در خون مردم عراق و سوریه دارد، صفحه سیاه آمریکا در عراق را

سفید نخواهد کرد. صفحه و مرحله ای که علت اصلی تسلط این افراد بر گرده مردم عراق و گرو گذاشتن دارائیهای آن در خدمت رژیم ایران است. این عملیات در چارچوب جنگی است که بین آمریکا و ایران وجود دارد و عراق را به دلیل وجود احزاب فاسد که تشکیل دهنده پارلمان و دولت و شبه نظامیان وابسته به آن که در ارتباط با پروژه توسعه طلبانه در عموم منطقه است به بخشی از میدان تصفیه این درگیرها بین آنها تبدیل کرده است.

در شرایطی که مردم عراق از دلایل دیدار قاسم سلیمانی و افسران سپاه پاسداران ایران در شرایط کنونی و بغرنج عراق سوال می کنند و دولت از آن اطلاعی ندارد، تظاهرکنندگان تاکید می کنند که قاسم سلیمانی خونریز و جنایتکار اتاق عملیات سرکوب تظاهرات عراق را اداره می کند. تظاهراتی که خواهان اخراج رژیم ایران از عراق است. شایان یادآور است که این به معنای هم سو شدن با آمریکا نیست. زیرا آمریکا خود باعث این درد و رنجها برای عراقیان است. بنابراین هدف قرار دادن این افراد به دلیل تهاجم انجام شده به سفارت آمریکا و نه عشق و علاقه آمریکا به عراقیان و یا ایستادن در کنار تظاهر کنندگان است.

کمیته برگزاری تظاهرات از مردم عراق را به خویشتنداری و فاصله گرفتن از درگیری بین آمریکا و رژیم ایران فرامی خواند زیرا این عملیات تاکید می کند که عراق به دلیل تسلط این فاسدان بر آن، به سوی پرتگاه در حرکت است و حاکمیت خود را به دلیل وابستگی احزابش و دولتش و پارلمانش به رژیم



ایران و آمریکا از دست می دهد. و این نکته ای است که تظاهر کنندگان باید نسبت به آن هوشیار باشند. به همین خاطر تظاهر کنندگان مُصرند که این راه را تا سرنگونی همه آنها ادامه دهند.

همچنین از مردم عراق می خواهیم که در میدانهای تظاهرات مسالمت آمیز به ویژه میدان تحریر در بغداد حضور فعال داشته باشند و از مسالمت آمیز بودن آن حفاظت کنند و بر روی خواسته های اصلی در باز پس گیری حاکمیت میهن و حفاظت از آن متمرکز باشند که این امر مشروط به سرنگونی رژیم سهمیه ای فرقه گرا است که وابستگی به خارج را از جیب عراق و مردم شریف آن اثبات کرده است.

ما از دانشجویان دانشگاهها و دانش آموزان دبیرستانها می خواهیم که روز یکشنبه ۵ ژانویه ۲۰۲۰ با پیراهنهای سفید، تظاهرات بزرگی در خیابانهای بغداد و استانها ترتیب دهند. شما سرخ رگهای این انقلاب و سرمایه عراق هستید. شرکت در این تظاهرات برای تمامی افشار مردم شریف عراق آزاد است که در موعد تعیین شده فریادهای عشق به عراق را سردهند و فقط پرچم عراق را به مثابه وفا به خون شهداء و مجروحان بالا ببرند.

تظاهرات با خواسته اخراج رژیم ایران و ایادی آن از عراق ادامه خواهد یافت. ما به شهدا و مجروحان و عموم مردم عراق نسبت به احقاق حقوق آنها تعهد می دهیم. این حقوق از بین نخواهد رفت و بعد از پیروزی انقلاب و تشکیل دولت ملی عراق مطابق قانون از تمامی کسانی که مزدوری آنها برای رژیم ایران اثبات شود و مشخص گردد که مجری طرحهای این رژیم از جیب مردم عراق بوده اند حسابرسی خواهیم کرد.

کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر

بیانیه پیرامون ترور احمد عبدالصمد و صفا غالی

توییت ترور تشرین (انقلاب اکتبر) عراق

شنبه ۲۱ دی ۱۳۹۸ - ۱۱ ژانویه ۲۰۲۰

شماره: ۱۶۴

بسم الله الرحمن الرحيم

جنایت ترور خبرنگار «احمد عبدالصمد» و تصویر

بردار «صفا غالی»

مسئولیت جنایت ترور دو خبرنگار عراقی (احمد

عبدالصمد و صفا غالی) در بصره قهرمان، به عهده

دولت و شبه نظامیان آن و قبل از آنها اسعد العیدانی

استاندار بصره و رشید فلیح مدیر پلیس بصره است.

همچنین این زنجیره ای مستمر از ریختن خون عراقیان است که با فرمان مستقیم اتاق عملیاتی به اجرا گذاشته می شود که توسط سفیر [رژیم] ایران، ایرج مسجدی، در عراق اداره می شود و به دنبال کشته شدن تروریست بین المللی قاسم سلیمانی انتقامی از مردم عراق به شمار می رود.

علت استمرار این اعمال تروریستی و جنایتهای سازمانیافته، سکوت سازمان ملل و جامعه بین الملل و تماشاگر بودن آنها در قبال این جنایتهای وحشیانه است و برای این دولت و شبه نظامیان جنایتکار آن، چراغ سبزی در استمرار این جنایات فجیع قلمداد می شود.

کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر ضمن محکوم کردن این عمل وحشیانه و زبوانه و خائنانه، تاکید می کند که خبرنگار احمد عبدالصمد فردی شجاع و سلحشور و ملی و مخلص عراق و مردم آن بود. وی حقیقت را منعکس می کرد و در جبهه حق علیه باطل و در جنگ با فساد و قاتلان قرار داشت. وی که رحمت خدا بر او باد، از خبرنگاران آزاده بصره بود. خداوند بر نام و مسیر تو عزت و بزرگی و بر قاتلان تو ننگ و عار نگاشته است و خونت به هدر نخواهد رفت.

ما با تو و تمامی شهدا پیمان می بندیم که این راه را ادامه دهیم و در تحصنها و گرفتن حقوق مان ثابت قدم باشیم تا میهن عزیزمان را باز ستانیم و به ارواح هر دوی شما اطمینان خاطر می دهیم که در بصره مردان، جوانان و زنان، این مسیر را تا به آخر ادامه خواهند داد و همه آنها احمد عبدالصمد و صفا غالی خواهند شد. خونهای شما روشنایی بخش وجدانها و سوخت غیرت عراقیانی شده که این انقلاب را به پیروزی نزدیک و رهنمون خواهند کرد. به خواست خدا عراق عزیز، سرفراز باقی می ماند و سر به آسمان می ساید و شکوه خود را بازمی یابد.

کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر



دهان دریدگی "سردار نجات" بی سبب نیست

منصور امان

فراسوی خبر... شنبه ۷ دی

فشار جنبش سرنگونی و رادیکالیسم گردانهای اجتماعی آن، مجراهای بغض و کینه درونی حاکمان ج.ا علیه "پایینی ها" را آنچنان سُمبه زده که پسابهای انباشته در ذهن و فهم شان به تدریج به بیرون می لغزد. پس از اعلام علنی تجدید نظر ایدیولوژیک در ترم عوامفریبانه "مُستضعفان" از سوی "رهبر" زخم خورده، اینک یک مُهره ارشد نظامی - امنیتی با فحاشی به آنها، توضیحات بیشتری در باره منظور اربابش داده است.

پاسدار حسین زیبایی نژاد که با نام مُستعار "حسین نجات" شناخته می شود، نیروی سرنگونی را "افراد فرودست" دانسته و آنها را با لحن توهین آمیزی "حاشیه نشین، بی سواد و آلوده به فضای مجازی" خطاب قرار داده است. نگاه تحقیرآمیز این عامل مُستقیم سرکوب و خونریزی به مردم، نگرش رایج در دستگاه قُدرت پیرامون موقعیت مُمتاز خویش و جایگاه و ترکیب پستزیردستان را بازتاب می دهد؛ یک ارزیابی ناب ارباب - رعیتی که حاکمیت و ترویج آن در سیاست و اقتصاد ج.ا به هیچ عنوان تازگی ندارد.

رژیم ولایت فقیه از ابتدای قُدرت گرفتن گام به گام جامعه را از پروسه شکل گیری و اجرای مُهمترین و حیاتی ترین تصمیمهایی که به سرنوشت آن و کشور مربوط می شود، کنار زده است. از فراز سر مردم و خواسته ها و نیازهای شان جنگ و بُحران خارجی به راه می اندازد، منابع کشور را دلبخواهی صرف پروژه های بیهوده و اغلب ماجراجویانه می کند و اموال و داراییهای همگانی را در پوشش "خصوصی سازی" تقسیم، بخشش یا به انعام میدهد.

حاکمان کشور بدون به حساب آوردن مردم، دست به حذف بیرحمانه وظایف اجتماعی دولت و خدمات عمومی می زنند، مُزد و حقوق را کاهش می دهند و بهداشت، درمان و آموزش را از دسترس اکثریت جامعه خارج می کنند. دهان دریدگی "سردار نجات" بی سبب نیست؛ او از بُرج عاج اقلیت کوچکی به "فرودستان" فخر می فروشد که ثروت کشور را زیر ناخن کشیده، نفت و گاز را مُرغ تُخم طلای خود و خزانه عمومی را ارث پدر می شمارد و بدون آنکه به کسی حساب پس بدهد و تنها به میل خودسرانه اش، هر اندازه که بخواهد برداشت و هر جا که بخواهد خرج می کند.

او و رهبرش از آن رو اختیار از کف داده و به هرزه گویی افتاده اند زیرا موقعیت آسوده و رویایی چهل ساله شان را در خطر می بینند. "مُستضعفان" و به حاشیه رانده شده ها خواب آنان را در بستر گرم و آسوده شان آشفت کرده اند و در حال آنند که میز چیده مُفتخواری به حساب دیگران و زورگویی به همگان را بر هم بزنند.

خُروش توده فقیر، گرسنه و بی حقوق، لاک مُستضعف نوازی اشراف حاکم راریخته و چهره مُتکبر، خودپرست و خوار شمار آنها را غریبان کرده است. جامعه حساب خود را از اینان جُدا کرده و آنها خود دُرستی این تصمیم را هر روز کمی پُر رنگ تر می کنند.



مدیریت پیشگیرانه باعث حذف سلیمانی شد

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر... یکشنبه ۱۵ دی

ماموریت قاسم سلیمانی، فردی که در سال ۱۳۷۶ با حکم خامنه ای بهفرماندهی نیروی تروریستی قدس (نیروی برون مرزی سپاه پاسداران) منصوب شد، پیشبرد سیاستهای مربوط به «عمق استراتژیک» رژیم ولایت فقیه، توسعه ترور و صدور ارتجاع و بنیادگرایی اسلامی بود. نام قاسم سلیمانی، مترادفا ترور و سرکوب آزادیخواهان نه تنها در ایران بلکه در عراق، سوریه و لبنان است. او به طور آشکار در شکل دهی دولتهای عراق پس از اشغال اینکشور نقش داشت.

نقش قاسم سلیمانی در تداوم رژیم ولایت فقیه بی همتا بود. صدور بحران، تلاش برای ایجاد «جماهیر اسلامی» که مغز و قلب اش در تهران و با محوریتولی فقیه باشد، ایجاد تنش در منطقه، دخالتهای تروریستی با تکیه بر اقلیتهای دینی، ایجاد پایگاههای نظامی در همسایگی اسرائیل، باز کردنپای روسیه در منطقه و ... مواردی است که همراه با سرکوب گسترده درداخل، رژیم را سرپا نگهداشته است. همه این مداخله گریها از چشمانآمریکا و دول غربی پنهان نبوده و حتا با سیاست مامشات به رشد آن کمک کرده اند. اما امروزه خیزشهای مردمی در ایران، عراق و لبنان و وضعیتوحشتناک سوریه، تعادل را بر هم زده است. مردم این کشورها عزم جزم کردهاند که دست رژیم را به عنوان اشغالگر از سرنوشت خود کوتاه کنند.

از ماه اکتبر تا کنون حدود ۱۰ حمله موشکی به پایگاههای نیروهای آمریکا و متحدان آن در عراق شده است. آخرین حمله موشکی منجر به کشته شدن یکنفر آمریکایی شد. بر اساس توثیت وزارت خارجه آمریکا، «۱۷ درصد از مرگپرسنل آمریکا در بین سالهای ۲۰۰۳ و ۲۰۲۰ به قاسم سلیمانی و نیروی قدسش مربوط می شود.» و سرانجام یورش به سفارت آمریکا و حمل عکس قاسم سلیمانی توسط کسانی که سفارت را آتش زدند.

در این رویدادهای پر تنش همه انگشتها به سمت رژیم ایران اشاره رفتهاست. همه شواهد، از شعارهای راهبردی پایوران رژیم، از دانه درشتهها تاامان جمعه، جای ابهامی به جای نمی گذارد که رژیم ولایت فقیه پشت اینمسیر خطرناک است. استراتژی ماجراجویانه رژیم، اخراج آمریکا از عراق با استفاده از نفوذخود در ارگانههای حکومت عراق به ویژه جریان تروریستی حشد الشعبی و انجاعمیلیات ایدایی علیه مراکز آمریکا است.

خیزش مردم عراق علیه حکومت فاسد طرفدار رژیم ایران با خواست پایان دادنبه اشغالگری، منجر به کند شدن سرعت رژیم برای رسیدن به هدف استراتژیکاش شد. آتش زدن سفارت رژیم در نجف، وضع رژیم را بسیار آشفته کرد. استعفای نخست وزیر یعنی وا رفتن حکومت طرفدار رژیم ایران از یک سو و ناتوانی رژیم در چیدمان مهره هایش در ساختار حکومت عراق پارامترهایببود که رژیم را وارد فاز سرعت بخشیدن به عملیات ایدایی کرد.

حمله به سفارت یکی از راهبردهای رژیم برای تغییر شرایط به نفع خود است. به ویژه این که تا کنون بابت موشک پرنیها زهر چشمی هم ندیده بود و شرایط را هم به نفع خود و سیاست ترامپ را هم غیر جنگی ارزیابی می کرد. ورود قاسم سلیمانی از لبنان و سوریه به عراق بلافاصله بعد از جریانسفارت راه، از این زاویه می توان دید. نکته ای که ترامپ و بیانیه وزارت خارجهآمریکا در رابطه با چرایی ترور قاسم سلیمانی داده اند قابل توجه است. رژیم راه حل خود را برای خروج از بن بست که گیر کرده، تبدیل عراق بهمیدان رویارویی مستقیم با آمریکا از یک سو و در پی آن تبدیل جنبشهایمردمی به جنبشهای به اصطلاح ضد امپریالیستی می داند.

عملیات پیشگیرانه آمریکا باعث شد که این استراتژی تحمیل شده به مردمعراق متوقف شود. به این دلیل حمله هوایی آمریکا را می توان به عنوانجلوگیری از یک توطئه استراتژیک رژیم که می توانست عواقب بسیار بدتریبرای مردم عراق و ایران داشته باشد، دید.

مردم ایران در قیام خونین آبان به خوبی مخالفت خود را با استراتژیخطرناک جمهوری اسلامی اعلام کردند. دخالتهای ماجراجویانه و آشوب طلبانه رژیم در منطقه نتیجه ای جز جنگ و ویرانی برای مردم ایران و مردم خاورمیانه ندارد.

گرد و خاک مرده گردانی حاج قاسم، دود شد رفت به هوا

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ... یکشنبه ۲۲ دی

رژیم ولایت فقیه در سرایشی سقوط و آغاز پایان خود، برای رهایی از باتلاق بحرانی که گرفتار است دست به هر جنایتی زد. پوشاندن جنایت با دروغگویی، پاک کردن اصل موضوع و ساختن سناریوهای جعلی از جمله راهکارهای شناخته شده رژیم طی ۴۰ سال است.

سپاه پاسداران با هدف قرار دادن هواپیمای مسافربری اوکراینی با ۱۷۶ سرنشینی که هیچ دخالتی در جنگ افروزیهای رژیم نداشتند، مرتکب جنایت آشکاری دیگر علیه بشریت شده است. این عمل، یکی از نقطه های عطفی است که دروغگویی رژیم را برای جهان برملا کرد. دروغ آنقدر بزرگ و زشت است که جهانیان را بی تفاوت گذاشت. مهم تر از هم‌مظرفیت و ناتوانی رژیم در برابر فشار بین المللی، برای مردم ایران نمایان شد.

سناریوهای مختلفی در مورد هدف قرار دادن هواپیمای مسافربری می توان حدس زد. این سناریوها با سوابق رژیم در زمینه های دروغگویی و عدم شفافیت در صحنه بین المللی به ویژه انکار نقش خود در حرکت های تروریستی در خارج از مرزهای ایران و یا مخفی شدن پشت نیروهای نیابتی خود در نظر گرفته خواهد شد. تاکید بر این که گفته های مسئولان حکومتی در این چند روز از پایه های اصلی ساخت سناریوها می توانند باشند.

با تکیه بر دروغهای پایوران حکومت می توان گفت این شلیک هدفمند بوده است. رژیم بعد از قیام آبان ۹۸ در پاسخگویی به چرایی کشتار ۱۵۰۰ نفر از مردم دست به ایجاد شوک درمانی زد. با تشدید حرکت های تروریستی در عراق با استفاده از مزدوران خود زیر نظر قاسم سلیمانی، اشغال سفارت آمریکا در بغداد و توطئه های دیگر خامنه ای می خواست انقلاب مردم عراق را منحرف کرده و تاثیرات قیام آبان را کم رنگ کند. رژیم با آویزان شدن به جسد قاسم سلیمانی و تابوت گردانی با خرج فراوان، راه دیگری برای فرار از قیام آبان پیدا کرد. این رژیم حتا به کشته شدن عده ای زیر دست و پا برای نمایش مظلوم نمایی احتیاج داشت. بالاخره برای خواباندن هیجان نمایش مرده سواری باید ترقه ای هم در می کرد. خامنه ای فرمان آتش برای «انتقام سخت» را داد. انتقام سختی که از پیش به گیرندگان آن اطلاع داده شده بود.

بنابراین سناریو هدفمند بودن شلیک عمدی به یک هواپیما در میان چندین هواپیمایی که در آن شب بر آسمان ایران پرواز کرده اند و بنابه گفته کارشناسان از خط خود خارج نشده اند، به واقعیت نزدیک است. شلیک هواپیما و انداختن مسئولیت آن به گردن ترامپ، تحریم، هلاکت سلیمانیه ... این کوتاه بینان فکر نمی کردند این موضوع با سقوط یک هواپیما داخلی فرق می کند که بتوانند مسئولیت آن را پنهان کنند.

خامنه ای مسوول اول شلیک به هواپیمای مسافربری و کشته شدن ۱۷۶ نفر از مردم است. این عمل محصول سیاستها و عملکردهای رژیم در منطقه است که هیچ ارزشی برای جان مردم ایران قائل نیست. او در بازی پینگ پونگ موشک، عراقیها و آمریکاییها را محرم تر از مردم دانسته است. وی بی شرمانه در رجز خوانی که کرده است از «پیگیری کوتاهبها یا تقصیرهای احتمالی در این حادثه» حرف زده است. او حاضر به عهده گرفتن مسئولیت نشد.

مفتضح تر از آن این که خامنه ای و روحانی مدعی شده اند که از این ماجرا تا روز آدینه با خبر نبوده اند. از سوی دیگر صحبت های حاجی زاده سرکرده هوافضای سپاه پاسداران به چنین سناریویی قوت می بخشد. این سرکرده جنایتکار میگوید: «اطلاعاتی که به اپراتور داده بودند که شرایط جنگی است و موشک فروز شلیک شده، او این هواپیما را موشک فروز تشخیص داده است.» از بخش فنی آن و مقایسه قیافه فروز با هواپیمای مسافربری بگذریم، این اطلاعات دروغ را چه کسی داده و با چه هدفی داده است. در حالی که هیچ موشکی از طرف آمریکا آن شب زده نشده است. حتا به جرات می توان گفت که آنها اطلاعات داشتند که آمریکا عکس العملی سریع انجام نخواهد داد. به همین سادگی رژیم در ترس از بی آبرویی خود در قبال نتیجه انتقام سخت، به کشته شدن عده ای زیادی نیاز داشت تا صحنه را به سود خود تغییر دهد.

سرکرده سپاه تروریستی در سخن پراکنیهای خود خیلی متضاد صحبت کرده است. وی بیشرمانه می گوید: «می شود این همزمانی را به اقدامات خرابکارانه ربط داد، یا حتی به قابلیت بوئینگهای آمریکایی که می توان هدایت آنها را توسط شرکت

تولیدکننده در اختیار گرفت، اما بیاید همه این احتمالات را کنار بگذاریم و همه چیز را بگذاریم به حسابشانس و اتفاق.» وی در پایان با مقایسه کردن با سپاه اسلام در ۱۴۰۰ سالپیش در جنگ بدر، پرونده این جنایت را با گفتن این که خدا خواهد بخشید، به همین سادگی بست.

تیتز روزی نامه های حکومت که در روز شنبه منتشر شده و هنوز از اعتراف سپاه پاسداران اطلاع نداشتند بسیار مسخره است.

جریده جمهوری اسلامی، موضوع شلیک به هواپیما را چنین نوشته است: «برای سرپوش گذاشتن بر ناکامیهای اخیر آمریکا مقابل ایران صورت گرفت جنگ روانی بی نتیجه آمریکا بر سر سقوط هواپیمای اوکراین»

جریده «مردم سالاری» نوشت: «بازی موشک خیالی با هواپیمای اوکرائینی»

در خاتمه با توجه به دروغها و سابقه رژیم در جنایتهایا کنونی، نمی توان هدف قراردادن هواپیما را یک خطای انسانی و بر دوشکسی که ماشه را چکانده گذاشت. در ساختار رژیم ولایت فقیه خطای انسانی اصلا معنا نمی دهد. این یک خطا نیست بلکه یک جنایت هدفمند زیر مسئولیت مستقیم خامنه ای است.

در پاسخ به این جنایت شرم آور دانشجویان و مردمازادیخواه در چند دانشگاه در تهران و دانشگاههای شهرهای بابل، بابلسر، مشهد، رشت، اصفهان شیراز، سنندج، سبزوار، همدان، بندرعباس و ... اقدامبه تظاهرات و سردادن شعار کردند و شعارهای بسیار علیه حکومت سردادند. شعار «سلیمانی قاتله، رهبرشم جاهله، قاتله» به روشنی رابطه جامعه باحکومت را نشان می دهد. بدین ترتیب گرد و غبار مرده گردانی قاسمسلیمانی با خروش زنان و مردان آزادیخواه ایران دود شد و رفت به هوا!



سُخْرانی خامنه ای: بوی نای، بوی الرحمان

منصور امان

فراسوی خبر... شنبه ۲۸ دی

در مُحاصره خشم و نفرت مردُم و در حالی که جُز طوق "قاتل" و "الدنگ" چیزی برای او به جا نمانده، رهبر جمهوری اسلامی پُشت تریبون حُکومتینماز جمعه قرار گرفت تا یکی از آخرین تلاشهای خود برای بند زدن رژیمدرهم شکسته اش و نمایش انسجام آن در برابر جامعه ی "دُشمن" را ناآزمودهباقی نگذارد.

آقای علی خامنه ای که به شدت از سخن گفتن به طور زنده و بدون آرایشگفته هایش طفره می رود، برخلاف تمایل خویش پشت این بُلندگوی رسمی قرارگرفت و سُخْنان او نیز تردیدی به جا نگذاشت که "رهبر" فعلی را نه ارادهخود، بلکه شلاق سوزناک تحولات دو هفته گذشته در مُصلای "رهبر" قبلیحاضر کرده است.

سُخْرانی در گورستان شاید یک انتخاب به جا تر از سوی آقای خامنه ایبود، چرا که او جُز مرثیه سرایی برای چند مُرده سیاسی که در امواجخروشان اعتراضهای توده ای و زیر سیل بی توقّف رویدادها دفن شدند، حرفدیگری برای گفتن نداشت. تماشاچیان او در اشاره ها، حمله ها و گزافهگوییهایش شاهد کفن و دفن رسمی دو پروژه شکست خورده حاکمیت گردیدند کهیکی در سیرک سیار سلیمانی و دیگری در تئاتر "انتقام سخت" از آمریکا بسته بندی شده بود.

دست خالی آقای خامنه ای را به ویژه از آنجا می توان دریافت که سُخْنانشچه در فُرم و چه در مضمون به طور عُمده واگویی تبلیغاتی بود کهزیردستانش و رسانه های بدنام حُکومتی در خلال دو هفته گذشته مشغولتکرار آن هستند و همانها نیز خود با نگرانی به بی تاثیری و باور نداشتنجامعه به این تولیدات اقرار می کنند.

از این زاویه، آقای خامنه ای همه انتظاراتی که از او می رفت را برآوردهکرد و از خط خود که روی توهم، کژپنداری و کوته بینی ریل گذاری شده وتابلوهای راهنمایش را دُرُوغ، مُبالغه، فرافکنی و لاف و گزاف تشکیل میدهد، خارج نشد.

همین وفاداری آلوده را می توان در برخورد او به تازه ترین رُسوایی رژیمش، سرنگون ساختن هواپیمای مسافربری، مشاهده کرد. او که عنوان مجللو دهان پُرکن "فرمانده کُل قُوا" را به خود عطا کرده و با ادا و اطوار متکبرانانه از رژه های نظامی سان می بیند، نه تنها حاضر به پذیرفتن مسوولیت و پوزش از خانواده های سوگوار و مردُم شوکه شده به خاطر جنایت نیروی تحت امرش نشد، بلکه گستاخانه اعتراض آنها به این تبهکاری را "توطئه دُشمن" معرفی کرد و خودش را "تابع رسانه های خارجی" دانست.

رهبر جمهوری اسلامی بر نوک دستگاه تبلیغاتی قرار گرفت تا به تهدیدهای پهراسناک داخلی و بُحران از پایش خارج شده خارجی واکنش نشان دهد و بگوید که می تواند آنها را مدیریت کند. آنچه که او به زبان آورد اما سخن از واقعیت دیگری دارد؛ "رهبر" هیچ راه حلی برای برون رفت رژیم بهتله افتاده اش ندارد، از اُتاق فکر حاکمیت فقط نم و کپک چهل ساله بیرونی آید و او تن شویان در این نازایی و پوسیدگی، خود را تکرار می کند. آنچه که روز جُمعه آقای خامنه ای از خود پراکند، بوی نای، بوی الرحمان بود.



به یاد رفیق جهانگیر قلعه میاندوآب (جهان)

امیر ابراهیمی

رفیق جهان متولد سال ۱۳۳۲ در میاندوآب در استان آذربایجان بود. وی کارگر تاسیسات بود و فعالیت سیاسی را قبل از سال ۱۳۵۷ در هسته هوادار سازمان آغاز کرد و در آستانه قیام به سازمان پیوست و در بخش تشکیلات کارگری سازمان (کارگران پیشرو) فعالیت می کرد. او نقش موثری در سازماندهی و فعالیت کارگران پیشرو داشت و در جریان انشعاب اکثریت به افشای مواضع اپورتونیستی اکثریت پرداخت و با اقلیت همراه و در کنار سایر فعالیتها، از جمله مسئولان حفاظت و انتظامات میتینگ و راهپیمایی ۱۷ بهمن سازمان در سال ۱۳۵۹ بود که از میدان آزادی تا میدان توحید (کندی) ادامه پیدا کرد.

رفیق جهان در این میتینگ توسط پاسداران شناسایی و پس از درگیری و ضرب و شتم، وی را ربوده به کمیته بردند و پس از چند روز پیگیری جسد رفیق جهان در پزشکی قانونی پیدا شد. بررسی پیکر این رفیق نشان می داد که گلوله از پشت به سر وی شلیک شده از چشم خارج شده است. رفیق شهید سعید سلطانیپور در باره رفیق جهان شعری سروده که گزیده از آن در گرامیداشت هر دو رفیق منتشر می شود.

جهان کمونیست

سعید سلطانیپور

گلوله ای در دهان
گلوله ای در چشم
در تکه های یخ
در سردخانه ُ پزشک قانونی
در شعله ُ منجمد خون می تابد
شعله ای در دهان
شعله ای در چشم
در میتینگ هفدهم بهمن
در انبوه هواداران و مردم

دی میان پلاکاردها و شعارها
 در گردش تفنگداران جمهوری و گله های پاسدار و اوباش
 در قرق چماق و زنجیر و نانچیکو
 در صدای شلیکهای ترس و
 دشنامهای جنون
 در میان پلاکاردها
 انقلاب
 با پیشانی شکسته و خون چکان
 می خواند
 با صدای درخشان جهان و
 رودخانه ها
 و رفیقان جهان
 جهان کمونیست را
 می سرایند و
 می سرایند
 با دسته گلهایی از خون
 بر فراز میتینگ تاریخ



شهدای فدایی در بهمن ماه

پوران یدالهی، بهروز عبدی، یوسف زرکار، فتحعلی پناهیان، جعفر پناهی، خسرو گل سرخی، کرامت دانشیان، سعید پایان، ابراهیم پوررضا خلیق، فاطمه افرنیا، عبدالمجید پیرزاده جهرمی، جعفر محتشمی، مسعود پرورش، مصطفی دقیق همدانی، حسن توسلی، کیکاووس رهگذر، حمید مومنی، محمد علی خسروی اردبیلی (داداشی)، حمیدرضا هزارخانی، انوشه فظیلت کلام، کیومرث سنجر، حسن جان فرجودی لنگرودی، حسین چوخابی برادران، محمد کاسه چی، محسن نوربخش، فردوس آقا ابراهیمیان، جعفر پشامی، قاسم سیادت، بابک سیلانی، خسرو پناهی، مهدی اقتدارمنش، محسن نیک مرام، محمدجواد عرفانیان، اکبر پارسی کیا، هابیل امیرخیز، عباس تبریزی، لطف الله صادقی نراقی، بابک طلپس چی سیلابی، میرمحمد درخشنده (توماج)، عبدالکریم مختوم، طواق محمد واحدی، حسین جرجانی، حاجقلی نورقلی پور، نعمت احمدی، منصور حبیبی زاده، محمد طاهر رحیمی، محسن بطحایی، جهانگیر قلعه میانداوآب (جهان)، ابوالقاسم همتی، فرشاد مرعشی، محمود جنتی، محمد امین نورائی، عباس تبریزی، محمدحسن بهاری طولابی، محمدجواد شرفی، عادل خونا میردشتی، کریم شیخی، حسین چرخیان، محمدجواد شریفی، حشمت شهبازی، احمد معادی، علی ریاحی، محمود امین زاده، مسعود رحمتی، حسن محمدپور، علی نوروزی، بهنام قاسم زاده رضوی، جعفر (حر) رضایی، ابراهیم کردی، مراد میرزایی، اسد یزدانی، اسماعیل برزگر، فریدون بانه ای، فاطمه محمدی، روح الله ملکانی نژاد، غلام زندی، شهین احمد پور، رشید حسنی بزرگ آباد، احمد محمدی، محمد رضوی، صمد حسین زهی، سعید سلیمانی، مینا ضامنیان، کامیار کریمی، اسعد یزدانی، محمد اسماعیل رودگریان و... در مبارزه قهرمانانه علیه رژیمهای شاه و خمینی برای نابودی امپریالیسم و ارتجاع و استقرار دموکراسی و سوسیالیسم طی سالهای ۱۳۴۹ تاکنون به شهادت رسیدند.

در مسلخ عشق جز نکو را نکشند

*روز ۱۴ بهمن سال ۱۳۱۸ رفیق دکتر تقی ارانی از برجسته ترین کمونیستهای ایران در سن ۴۴ سالگی در زندان جان باخت.

*روز ۱۶ بهمن سال ۱۳۵۴ مبارزه انقلابی رفیق مصطفی شعاعیان در درگیری مسلحانه با مزدوران رژیم شاه به شهادت رسید.

*روز ۱۱ بهمن سال ۱۳۵۰ مجاهد خلق احمد رضایی طی یک درگیری حماسی با مزدوران رژیم شاه به شهادت رسید. وی اولین شهید سازمان مجاهدین خلق ایران بود.

روز ۱۹ بهمن سال ۱۳۶۰ مجاهد خلق موسی خیابانی و اشرف رجوی به همراه ۱۷ تن دیگر از کادرها و اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران طی یک نبرد مسلحانه با مزدوران رژیم خمینی به شهادت رسیدند.

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیا

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 420 / 21 JAN 2020

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

NABARD /P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram ///@nabard_khalg --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E – KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalghe/>